**شهروندی** (معادل واژه «سیتیزن شیپ» ([انگلیسی](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A7%D9%86%DA%AF%D9%84%DB%8C%D8%B3%DB%8C): *Citizenship*)) را قالب پیشرفتهٔ «شهرنشینی» می‌دانند. به باور برخی از کارشناسان، شهرنشینان هنگامی که به حقوق یکدیگر احترام گذارده و به مسئولیت‌های خویش در قبال شهر و اجتماع عمل نمایند به «شهروند» ارتقاء یافته‌اند.  
شهروندی تا پیش از این در حوزهٔ اجتماعی شهری بررسی می‌شد اما پس از آن شهروندی مفاهیم خود را به ایالت و کشور گسترش داده‌است، اگرچه امروزه بسیاری به [شهروندی جهانی](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B4%D9%87%D8%B1%D9%88%D9%86%D8%AF%DB%8C_%D8%AC%D9%87%D8%A7%D9%86%DB%8C) نیز می‌اندیشند. شهروندی امروزه کاربردها و معانی مختلفی یافته‌است.

**ریشه‌شناسی**

شهروندی در زبان فارسی از مشتقات [شهر](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B4%D9%87%D8%B1) (city) است.

**شهروند و حقوق شهروندی**

یک شهروند یک عضو رسمی یک شهر، ایالت یا کشور است. این دیدگاه، حقوق و مسئولیت‌هایی را به شهروند یادآور می‌شود که در قانون پیش‌بینی و تدوین شده‌است. از نظر حقوقی، جامعه نیازمند وجود مقرراتی است که روابط تجاری، اموال، مالکیت، شهرسازی، سیاسی و حتی مسائل خانوادگی را در نظر گرفته و سامان دهد. از این رو از دید شهری موضوع حقوق شهروندی، روابط مردم شهر، حقوق و تکالیف آنان در برابر یکدیگر و اصول و هدف‌ها و وظایف و روش انجام آن است. همچنین نحوه اداره امور شهر و کیفیت نظارت بر رشد هماهنگ شهر است که می‌توان به عنوان مهم‌ترین اصولی بدانیم که منشعب از حقوق اساسی کشور است.[[۱]](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B4%D9%87%D8%B1%D9%88%D9%86%D8%AF%DB%8C#cite_note-1)

در واقع **حقوق شهروندی** آمیخته‌ای است از وظایف و مسئولیت‌های شهروندان در قبال یکدیگر، [شهر](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B4%D9%87%D8%B1) و [دولت](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%AF%D9%88%D9%84%D8%AA) یا قوای حاکم و مملکت و همچنین حقوق و امتیازاتی که وظیفه تأمین آن حقوق بر عهدهٔ مدیران شهری (شهرداری)، دولت یا به‌طور کلی قوای حاکم می‌باشد. به مجموعه این حقوق و مسئولیت‌ها، «**حقوق شهروندی**» اطلاق می‌شود.

**شهروندی پویا**

شهروندی اشاره به زندگی روزمره، فعالیت‌های فردی و کسب و کار افراد اجتماع و همچنین فعالیت‌های اجتماعی ایشان دارد و بطور کلی مجموعه‌ای از رفتار و اعمال افراد در برابر مکان زندگی است. **شهروندی پویا** یا **شهروندی فعال** در واقع از این نگرش برخاسته‌است.

شهروندی از این منظر، مجموعه گسترده‌ای از فعالیت‌های فردی و اجتماعی است. فعالیت‌هایی که اگرچه فردی باشند اما برآیند آن‌ها به پیشرفت وضعیت اجتماعی کمک خواهد کرد. همچنین است مشارکتهای اقتصادی، خدمات عمومی، فعالیت‌های داوطلبانه و دیگر فعالیت‌های اجتماعی که در بهبود وضعیت زندگی همه شهروندان مؤثر خواهد افتاد. در واقع این نگاه ضمن اشاره به حقوق شهروندی مدون و قانونی در نگاه کلی‌تر به رفتارهای اجتماعی و اخلاقی می‌پردازد که اجتماع از شهروندان خود انتظار دارد. دریافت این مفاهیم شهروندی نیازمند فضایی مناسب برای گفتگو و مشارکت مردم با نقطه نظرات متفاوت و نظارت عمومی است.[[۲]](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B4%D9%87%D8%B1%D9%88%D9%86%D8%AF%DB%8C#cite_note-CF-2)

**آموزش شهروندی**

**آموزش شهروندی** بطور غیررسمی در خانه یا محل کار یا کارگاه‌های آموزشی یا بطور رسمی به صورت سرفصل درسی مجزا در مدارس و حتی مدارس ابتدایی یا به صورت رشته تحصیلی دانشگاهی در واقع به شهروندان می‌آموزد که چگونه یک شهروند فعال، آگاه و مسئولیت پذیر باشند. در واقع مبنای این آموزش‌ها پرورش یک شهروند نمونه یا شهروند خوب یا ارائه یک الگوی شهروندی نیست بلکه به آنان می‌آموزد که چگونه تصمیمات خود را با توجه به مسئولیت‌هایشان در قبال اجتماع و زندگی فردی خود اتخاذ نمایند.[[۲]](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B4%D9%87%D8%B1%D9%88%D9%86%D8%AF%DB%8C#cite_note-CF-2)

تربیت شهروندی، یکی از فروع شهروندی است که باتوجه به تحولات سریع اجتماعی، فناوری و سیاسی دوران معاصر، ازجمله دلمشغولی‌های برنامه‌ریزان و سیاستگذاران تعلیم و تربیت کشورهای جهان به‌شمار می‌آید.[[۳]](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B4%D9%87%D8%B1%D9%88%D9%86%D8%AF%DB%8C#cite_note-3) در [کشورهای توسعه یافته](https://fa.wikipedia.org/wiki/%DA%A9%D8%B4%D9%88%D8%B1%D9%87%D8%A7%DB%8C_%D8%AA%D9%88%D8%B3%D8%B9%D9%87_%DB%8C%D8%A7%D9%81%D8%AA%D9%87) مفاهیم شهروندی از دوران کودکی تا نوجوانی آموزش داده می‌شود و دولت نیز آموزش‌های لازم را در اختیار والدین و معلمان قرار می‌دهد.[[۴]](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B4%D9%87%D8%B1%D9%88%D9%86%D8%AF%DB%8C#cite_note-4) در [انگلیس](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A7%D9%86%DA%AF%D9%84%DB%8C%D8%B3) از سال ۲۰۰۲ میلادی، آموزش شهروندی و آشنایی با آن بطور رسمی در [برنامه درسی](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A8%D8%B1%D9%86%D8%A7%D9%85%D9%87_%D8%AF%D8%B1%D8%B3%DB%8C) مدارس از سنین ۱۱ تا ۱۶ سالگی قرار گرفت. اهداف این آموزش‌ها عموماً موارد ذیل است:

* آشنایی با حقوق و مسئولیت‌های شهروندی
* بحث و بررسی دربارهٔ سرفصل‌ها و موضوعات مهم شهروندی
* فهم و شناخت جامعه و آشنایی با فعالیت‌های اجتماعی
* مشارکت فعال در یک برنامه اجتماعی یا گروهی[[۵]](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B4%D9%87%D8%B1%D9%88%D9%86%D8%AF%DB%8C#cite_note-5)

[**حقوق مصرف‌کننده**](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%AD%D9%82%D9%88%D9%82_%D9%85%D8%B5%D8%B1%D9%81%E2%80%8C%DA%A9%D9%86%D9%86%D8%AF%D9%87)

امروزه به دلیل تنوع نیازها و تخصصی شدن مشاغل، افراد یک خانواده برای تأمین حداقل مایحتاج مصرفی خود نیازمند استفاده از کالاها و خدمات عرضه شده توسط دیگران هستند. از اینرو نیاز به کالاهای مصرفی و خدمات یک نیاز ضروری و اجتناب ناپذیر است که هرگونه اختلال در تولید و توزیع آن‌ها می‌تواند جامعه و مدیریت آن را به چالش بکشاند و علاوه بر زیان‌های مادی صدمات و زیان‌های معنوی را نیز متوجه مصرف‌کننده نماید.[[۱]](http://www.tazirat.gov.ir/HogogMasraf.asp)

**مفاهیم شهروندی**

مفهوم [حقوق بشر](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%AD%D9%82%D9%88%D9%82_%D8%A8%D8%B4%D8%B1) اغلب در کنار دو مفهوم «[حقوق اساسی](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%AD%D9%82%D9%88%D9%82_%D8%A7%D8%B3%D8%A7%D8%B3%DB%8C)» و «[حقوق شهروندی](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%AD%D9%82%D9%88%D9%82_%D8%B4%D9%87%D8%B1%D9%88%D9%86%D8%AF%DB%8C)» مطرح می‌شود. این سه مفهوم، گاه مترادف جانشین یکدیگر به کار می‌روند اما در تفکیک مفهومی مرزهای ظریفی میان این مفاهیم سه‌گانه و دلالت موضوعی وجود دارد.  
می‌توان گفت *حقوق شهروندی* آن بخش از *حقوق اساسی* است که در قانون اساسی هر [کشوری](https://fa.wikipedia.org/wiki/%DA%A9%D8%B4%D9%88%D8%B1) شکل «[ملی](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%85%D9%84%DB%8C)» به خود می‌گیرد و فقط شامل حال شهروندان همان کشور خاص می‌شود (مانند [حق مشارکت سیاسی](https://fa.wikipedia.org/w/index.php?title=%D8%AD%D9%82_%D9%85%D8%B4%D8%A7%D8%B1%DA%A9%D8%AA_%D8%B3%DB%8C%D8%A7%D8%B3%DB%8C&action=edit&redlink=1) که ملهم از *حقوق بشر* در شکل نسبی آن است)[[۶]](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B4%D9%87%D8%B1%D9%88%D9%86%D8%AF%DB%8C#cite_note-6)

بسیاری بر این عقیده‌اند که قوانین موضوعه هر کشوری تأثیر مستقیم از مفهوم شهروندی و حقوق شهروندی می‌پذیرد.[[۷]](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B4%D9%87%D8%B1%D9%88%D9%86%D8%AF%DB%8C#cite_note-7) بعضی شهروندی را در ابعاد اجتماعی، سیاسی و مدنی تقسیم‌بندی می‌کنند اما به نظر می‌رسد در دسته‌بندی کلی می‌توان شهروندی را در مسئولیت‌های فردی و اجتماعی شهروندان و همچنین مسئولیت‌های دولت در قبال شهروندان بررسی کرد. با نگاهی کلی در جوامع مختلف می‌توان بخشی از این مفاهیم مشترک را عنوان و تکمیل کرد.

**مسئولیت‌های اجتماعی**

شهروندان به‌طور داوطلبانه امکانات خود را جهت کمک به پیشرفت و بهبود شهر به کار می‌گیرند. شهروندان فعال با توجه به تخصص و استعداد خود در سازمان‌ها و کمیته‌های محلی گوناگون نظیر [انجمن اولیا و مربیان](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A7%D9%86%D8%AC%D9%85%D9%86_%D8%A7%D9%88%D9%84%DB%8C%D8%A7_%D9%88_%D9%85%D8%B1%D8%A8%DB%8C%D8%A7%D9%86) و [سازمان‌های غیردولتی](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B3%D8%A7%D8%B2%D9%85%D8%A7%D9%86%E2%80%8C%D9%87%D8%A7%DB%8C_%D8%BA%DB%8C%D8%B1%D8%AF%D9%88%D9%84%D8%AA%DB%8C) عضویت داشته و فعالیت می‌کنند. شرکت در نشست‌ها و اجتماعات شهری، حضور در [محکمه‌های](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%85%D8%AD%DA%A9%D9%85%D9%87) عمومی، [هیئت منصفه](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%87%DB%8C%D8%A6%D8%AA_%D9%85%D9%86%D8%B5%D9%81%D9%87) یا هیئت‌های حل اختلاف، مشارکت در پروژه‌های اجتماعی برای پیشرفت [جامعه](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%AC%D8%A7%D9%85%D8%B9%D9%87) و همچنین یافتن مشکلات و راه‌حل آن‌ها بسیار سودمند خواهد بود.[[۸]](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B4%D9%87%D8%B1%D9%88%D9%86%D8%AF%DB%8C#cite_note-bensguide-8) صاحبنظران بر این عقیده‌اند که اجتماعات محلی، و [نهادهای مردم محور](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B3%D8%A7%D8%B2%D9%85%D8%A7%D9%86_%D8%BA%DB%8C%D8%B1%D8%AF%D9%88%D9%84%D8%AA%DB%8C) می‌توانند با ارائه رفتارهای جدید و نهادینه ساختن آن‌ها در جوامع، نقش مؤثری در ایجاد و بازتولید مفهوم شهروندی ایفا نمایند.[[۹]](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B4%D9%87%D8%B1%D9%88%D9%86%D8%AF%DB%8C#cite_note-9)

**مسئولیت‌های فردی**

* [رای](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B1%D8%A7%DB%8C) دادن:حق رأی در عین حالی که، از نظر بسیاری، از جمله مسئولیت‌های شهروندی محسوب می‌گردد اما در واقع یک امتیاز نیز می‌باشد. کسانی که رأی نمی‌دهند در واقع صدایشان در [دولت](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%AF%D9%88%D9%84%D8%AA) شنیده نمی‌شود.[[۱۰]](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B4%D9%87%D8%B1%D9%88%D9%86%D8%AF%DB%8C#cite_note-10)[[۱۱]](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B4%D9%87%D8%B1%D9%88%D9%86%D8%AF%DB%8C#cite_note-11)

قبل از هر [رای‌گیری](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B1%D8%A7%DB%8C%E2%80%8C%DA%AF%DB%8C%D8%B1%DB%8C)، اطلاعات مربوط به موضوع یا نامزدها باید به صورت شفاف به اطلاع شهروندان برسد.

* [خدمت در ارتش](https://fa.wikipedia.org/w/index.php?title=%D8%AE%D8%AF%D9%85%D8%AA_%D8%AF%D8%B1_%D8%A7%D8%B1%D8%AA%D8%B4&action=edit&redlink=1): در زمان جنگ، هر مردی که توانایی بدنی دارد، برای جنگ فراخوانده می‌شود. در زمان صلح نیز به صورت خدمت اجباری سربازی یا داوطلبانه در نیروهای مسلح حاضر می‌شوند.

در بعضی ایالات یا مناطق محلی، ممکن است به افرادی فرمان داده شود تا در دستگیری مجرمین یا برای برقراری [صلح](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B5%D9%84%D8%AD) و [امنیت](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A7%D9%85%D9%86%DB%8C%D8%AA) یا اجرای یک فرمان به [کلانتر](https://fa.wikipedia.org/wiki/%DA%A9%D9%84%D8%A7%D9%86%D8%AA%D8%B1) کمک کنند.

* احترام به [قانون](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%82%D8%A7%D9%86%D9%88%D9%86) و حقوق دیگران: هر شهروندی می‌بایست از قوانین اجتماع، ایالت و کشوری که در آنجا زندگی می‌کند، پیروی کند.

هر شهروندی می‌بایست به حقوق دیگران احترام بگذارد.

* پرداخت [مالیات](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%85%D8%A7%D9%84%DB%8C%D8%A7%D8%AA): هر شهروندی موظف به پرداخت [مالیات بر درآمد](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%85%D8%A7%D9%84%DB%8C%D8%A7%D8%AA_%D8%A8%D8%B1_%D8%AF%D8%B1%D8%A2%D9%85%D8%AF) و دیگر عوارض قانونی بر اساس درستکاری و راستی و سرموقع می‌باشد.[[۸]](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B4%D9%87%D8%B1%D9%88%D9%86%D8%AF%DB%8C#cite_note-bensguide-8)

**مسئولیت‌های دولت**

از جمله [مسئولیت‌های](https://fa.wikipedia.org/w/index.php?title=%D9%85%D8%B3%D8%A6%D9%88%D9%84%DB%8C%D8%AA&action=edit&redlink=1) [دولت](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%AF%D9%88%D9%84%D8%AA)، خرج نمودن [مالیات](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%85%D8%A7%D9%84%DB%8C%D8%A7%D8%AA) و عوارض دریافتی توسط بخش‌های دولتی جهت ارائه خدمات زیر، به شهروندان است:

* + حفاظت از جان و مال و حقوق و [امنیت](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A7%D9%85%D9%86%DB%8C%D8%AA) شهروندان: توسط [پلیس](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%BE%D9%84%DB%8C%D8%B3)، [آتش‌نشانی](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A2%D8%AA%D8%B4%E2%80%8C%D9%86%D8%B4%D8%A7%D9%86%DB%8C)، [امداد در حوادث و بلایای پیش بینی نشده](https://fa.wikipedia.org/w/index.php?title=%D8%A7%D9%85%D8%AF%D8%A7%D8%AF_%D8%AF%D8%B1_%D8%AD%D9%88%D8%A7%D8%AF%D8%AB_%D9%88_%D8%A8%D9%84%D8%A7%DB%8C%D8%A7%DB%8C_%D9%BE%DB%8C%D8%B4_%D8%A8%DB%8C%D9%86%DB%8C_%D9%86%D8%B4%D8%AF%D9%87&action=edit&redlink=1)، [دادگاه](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%AF%D8%A7%D8%AF%DA%AF%D8%A7%D9%87) و سامانه قضایی و [نیروهای مسلح](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%86%DB%8C%D8%B1%D9%88%D9%87%D8%A7%DB%8C_%D9%85%D8%B3%D9%84%D8%AD).
  + بهداشت و سلامتی: [آب](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A2%D8%A8) و [غذای](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%BA%D8%B0%D8%A7) سالم، بازرسی از [شیر](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B4%DB%8C%D8%B1_(%D8%AE%D9%88%D8%B1%D8%A7%DA%A9%DB%8C)) و [گوشت](https://fa.wikipedia.org/wiki/%DA%AF%D9%88%D8%B4%D8%AA)، نگهداری از [بیمارستان‌ها](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A8%DB%8C%D9%85%D8%A7%D8%B1%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D9%86).
  + آموزش: [مدرسه‌ها](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%85%D8%AF%D8%B1%D8%B3%D9%87) و [کتابخانه‌های](https://fa.wikipedia.org/wiki/%DA%A9%D8%AA%D8%A7%D8%A8%D8%AE%D8%A7%D9%86%D9%87) عمومی.
  + نگهداری، تعمیر و ساخت [جاده‌ها](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%AC%D8%A7%D8%AF%D9%87)، [بزرگراه‌ها](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A8%D8%B2%D8%B1%DA%AF%D8%B1%D8%A7%D9%87) و [خیابان‌ها](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%AE%DB%8C%D8%A7%D8%A8%D8%A7%D9%86) و [راه‌آهن](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B1%D8%A7%D9%87%E2%80%8C%D8%A2%D9%87%D9%86).
  + حفاظت و نگهبانی از [منابع طبیعی](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%85%D9%86%D8%A7%D8%A8%D8%B9_%D8%B7%D8%A8%DB%8C%D8%B9%DB%8C)، [جنگل‌ها](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%AC%D9%86%DA%AF%D9%84) و [محیط‌زیست](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%85%D8%AD%DB%8C%D8%B7%E2%80%8C%D8%B2%DB%8C%D8%B3%D8%AA).
  + حفاظت از پس‌اندازها، با [بازرسی](https://fa.wikipedia.org/w/index.php?title=%D8%A8%D8%A7%D8%B2%D8%B1%D8%B3%DB%8C&action=edit&redlink=1) از [بانک‌ها](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A8%D8%A7%D9%86%DA%A9) و ضمانت حساب‌های بانکی.
  + کمک و جبران خسارات: در موارد پیش‌بینی نشده مانند [سیل](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B3%DB%8C%D9%84)، [زلزله](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B2%D9%84%D8%B2%D9%84%D9%87) و [خشکسالی](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%AE%D8%B4%DA%A9%D8%B3%D8%A7%D9%84%DB%8C).[[۸]](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B4%D9%87%D8%B1%D9%88%D9%86%D8%AF%DB%8C#cite_note-bensguide-8)

**شهروندی در کشورهای گوناگون**

**شهروندی در ایران**

تا قبل از این در ایران، شهروندی تنها از منظر شهر و شهرنشینی مطرح می‌گردید و شهروندی رابطه متقابل یک شهرنشین با شهر و مدیران شهری و شهرداری دیده می‌شد و حقوق شهروندی را در گرو تصویب نقشه جامع شهر می‌دیدند.  
اما استفاده از واژه شهروند و شهروندی یا حقوق شهروندی در سال‌های اخیر در میان حقوقدانان و مجامع قانونی و حقوقی دید جامعتری یافت. در سال ۸۳ قانونی با عنوان «احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی» به تصویب مجلس رسید و به نام «بخشنامه حقوق شهروندی» در قوه قضائیه، دستورکار واحدها گردید. رئوس مهم این قانون دربارهٔ نحوه بازداشت و بازجویی و منع شکنجه و رفتار با متهمان توسط ضابطین و مجریان قضایی بود.[[۱۲]](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B4%D9%87%D8%B1%D9%88%D9%86%D8%AF%DB%8C#cite_note-12) هر چند در سال‌های اخیر واژهٔ شهروند به جای تبعه در ایران به سرعت فراگیر شده و کاربرد عمومی پیدا کرده‌است اما برخی از صاحب نظران در امور مسائل حقوقی و زبانی هنوز هم به این عقیده‌اند که در جوامع چون ایران، تاجکستان و افغانستان که تا هنوز اختلاف سطح توسعه در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی میان شهر و روستا خیلی بزرگ است، کاربرد این واژه به جای تبعه درحقیقت تبعیض در مقابل روستاییان به‌شمار خواهد رفت. زیرا به آن‌ها شاید این تصور داده شود که آن‌ها مانند شهر نشینان اتباع متساوی الحقوق کشور به‌شمار نمی‌روند.

در ایران به کودکانی که یکی از والدین آن‌ها شهروند کشورهایی مانند [افغانستان](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A7%D9%81%D8%BA%D8%A7%D9%86%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D9%86) و [پاکستان](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%BE%D8%A7%DA%A9%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D9%86) باشد با مشکل شهروندی روبرو هستند. سالانه ۱۲ هزار دختر ایرانی با اتباع بیگانه ازدواج می‌کنند. به استناد آمارهای منتشرشده ۳۳ هزار فرزند حاصل از ازدواج دختران [مشهد](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%85%D8%B4%D9%87%D8%AF) با اتباع بیگانه بدون شناسنامه هستند.[[۱۳]](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B4%D9%87%D8%B1%D9%88%D9%86%D8%AF%DB%8C#cite_note-13)

قواعد تابعیت در قانون مدنی ایران آورده شده‌اند. جلد دوم قانون مدنی مصوب ۱۳۱۳ با اصلاحات بعدی، در شماری از مواد خود به شرایط کسب تابعیت ایرانی، سلب تابعیت و بازگشت به تابعیت اختصاص پیدا کرده‌است. ماده ۹۷۶ قانون مدنی کسانی را که ایرانی هستند برشمرده و ماده ۹۷۹ شرایطی را که بیگانگان می‌توانند به تابعیت ایرانی درآیند مقرر نموده‌است. ماده ۹۷۹ اعلام می‌دارد: «اشخاصی که دارای شرایط ذیل باشند می‌توانند تابعیت ایران را تحصیل کنند.

۱- به سن هجده سال تمام رسیده باشند.

۲- پنج سال اعم از متوالی یا متناوب در ایران ساکن بوده باشند.

۳- فراری از خدمت نظامی نباشند.

۴- در هیچ مملکتی به جنج مهم یا جنایت غیرسیاسی محکوم نشده باشند. در مورد فقره دوم این ماده مدت اقامت در خارجه برای خدمت دولت ایران در حکم اقامت در خاک ایران است.

**شهروندی در افغانستان**

در [قانون اساسی افغانستان](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%82%D8%A7%D9%86%D9%88%D9%86_%D8%A7%D8%B3%D8%A7%D8%B3%DB%8C_%D8%A7%D9%81%D8%BA%D8%A7%D9%86%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D9%86) از واژه *تبعه* استفاده شده‌است. از مهم‌ترین عوامل اخلال در روند شهروندی در افغانستان معاصر، [جنگ‌سالاری](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%AC%D9%86%DA%AF%E2%80%8C%D8%B3%D8%A7%D9%84%D8%A7%D8%B1%DB%8C)، و [نژادپرستی](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%86%DA%98%D8%A7%D8%AF%D9%BE%D8%B1%D8%B3%D8%AA%DB%8C) و [قوم‌گرایی](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%82%D9%88%D9%85%E2%80%8C%DA%AF%D8%B1%D8%A7%DB%8C%DB%8C)) نام برده می‌شود. جنگ‌سالاری در ۲۵۰ سال اخیر [تاریخ افغانستان](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%AA%D8%A7%D8%B1%DB%8C%D8%AE_%D8%A7%D9%81%D8%BA%D8%A7%D9%86%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D9%86) مبنای جامعه بوده‌است و هر گروهی که قدرت نظامی بیشتر داشته‌است از قدرت سیاسی برخوردار می‌شده‌است. [[۱۴]](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B4%D9%87%D8%B1%D9%88%D9%86%D8%AF%DB%8C#cite_note-14)

**ایالات متحده آمریکا**

نوشتار اصلی: [منشور حقوق ایالات متحده آمریکا](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%85%D9%86%D8%B4%D9%88%D8%B1_%D8%AD%D9%82%D9%88%D9%82_%D8%A7%DB%8C%D8%A7%D9%84%D8%A7%D8%AA_%D9%85%D8%AA%D8%AD%D8%AF%D9%87_%D8%A2%D9%85%D8%B1%DB%8C%DA%A9%D8%A7)

حقوق شهروندی و آزادی [مردم ایالات متحده آمریکا](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%85%D8%B1%D8%AF%D9%85_%D8%A7%DB%8C%D8%A7%D9%84%D8%A7%D8%AA_%D9%85%D8%AA%D8%AD%D8%AF%D9%87_%D8%A2%D9%85%D8%B1%DB%8C%DA%A9%D8%A7) در [منشور حقوق ایالات متحده آمریکا](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%85%D9%86%D8%B4%D9%88%D8%B1_%D8%AD%D9%82%D9%88%D9%82_%D8%A7%DB%8C%D8%A7%D9%84%D8%A7%D8%AA_%D9%85%D8%AA%D8%AD%D8%AF%D9%87_%D8%A2%D9%85%D8%B1%DB%8C%DA%A9%D8%A7) که در سال [۱۷۹۱ (میلادی)](https://fa.wikipedia.org/wiki/%DB%B1%DB%B7%DB%B9%DB%B1_(%D9%85%DB%8C%D9%84%D8%A7%D8%AF%DB%8C)) به قانون اساسی آن کشور الحاق گردید، مشخص و حراست شده‌است.[[۱۵]](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B4%D9%87%D8%B1%D9%88%D9%86%D8%AF%DB%8C#cite_note-15) مهم‌ترین حقوق شهروندی در [ایالات متحده آمریکا](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A7%DB%8C%D8%A7%D9%84%D8%A7%D8%AA_%D9%85%D8%AA%D8%AD%D8%AF%D9%87_%D8%A2%D9%85%D8%B1%DB%8C%DA%A9%D8%A7) بر اساس این منشور عبارتند از:

* متمم یکم: آزادی مذهب و [آزادی بیان](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A2%D8%B2%D8%A7%D8%AF%DB%8C_%D8%A8%DB%8C%D8%A7%D9%86)
* متمم دوم: آزادی مالکیت و حمل اسلحه
* متمم سوم: حراست از مالکیت مسکن افراد در زمان صلح و جنگ
* متمم چهارم: حق امنیت جان، مسکن و مالکیت افراد در برابر تفتیش و توقیف
* متمم پنجم تا هشتم: دادرسی، محاکمه و مجازات عادلانه
* متمم نهم: منحصر نشدن حقوق و آزادی افراد به موارد بیان شده
* متمم دهم: محفوظ داشتن اختیاراتی که به موجب قانون اساسی به دولت فدرال اعطا نگردیده یا برای ایالت‌ها ممنوع نشده، برای ایالت‌ها یا مردم.

متم یازدهم: رعایت حقوق حرف زدن در چهار چوب قوانین مدنی

**شهروندی جهانی**

**شهروندی جهانی** ([انگلیسی](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B2%D8%A8%D8%A7%D9%86_%D8%A7%D9%86%DA%AF%D9%84%DB%8C%D8%B3%DB%8C): Global citizenship, یک اصطلاح نوآورانه است که یک شخص را توصیف می‌کند که می‌تواند در هر سطحی با هر فردی، صرف نظر از فرهنگ و کشور خود، در سطح جهانی ارتباط برقرار کند. استفاده از این اصطلاح با افزایش آگاهی در مورد جهانی شدن و تبدیل هویت بشری از منظر صرفاً ملی به یک مفهوم وسیع ملی گسترش یافته‌است. مهارت‌هایی که یک شهروند جهانی باید انجام دهد عبارت است از: مهارت‌های مشارکت مدنی و اثر بخشی سیاسی، همدلی فرهنگی، احترام به تنوع، توانایی آشتی دادن درگیری‌ها و دستیابی به توافق از طریق راه حلهای صلح‌آمیز، از جمله بحث، مذاکره و گفتگو.[[۱]](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B4%D9%87%D8%B1%D9%88%D9%86%D8%AF%DB%8C_%D8%AC%D9%87%D8%A7%D9%86%DB%8C#cite_note-1) مفهوم شهروندی جهانی، در مفهوم نگرش‌های بین‌المللی بیشتر معنادار است، با توجه به مشکلات موجود در جهان، مانند گرمایش جهانی و تهدیدات تروریستی و افزایش تعهد و وابستگی متقابل میان جمعیت‌های مختلف کشورهای مختلف. مبانی ایدئولوژیک شهروندی جهانی به [حقوق بشر](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%AD%D9%82%D9%88%D9%82_%D8%A8%D8%B4%D8%B1) بستگی دارد، همان‌طور که در [منشور سازمان ملل متحد](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%85%D9%86%D8%B4%D9%88%D8%B1_%D8%B3%D8%A7%D8%B2%D9%85%D8%A7%D9%86_%D9%85%D9%84%D9%84_%D9%85%D8%AA%D8%AD%D8%AF) آمده‌است از جمله حقوق اجتماعی فراتر از آن، اکثر جنبش‌های جهانی شهروندی بر مسئله کاهش شکاف بین مناطق توسعه و فقیر به عنوان بخشی از یک شهروند جهانی تأکید می‌کنند.[[۲]](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B4%D9%87%D8%B1%D9%88%D9%86%D8%AF%DB%8C_%D8%AC%D9%87%D8%A7%D9%86%DB%8C#cite_note-2)

یکی از ویژگی‌های جهان معاصر، برجستگی و محوریت انسان و موضوعات مرتبط با او در کلیه عرصه‌هاست. انسان به‌عنوان عامل محوری هر گونه نقش‌آفرینی در آینده مورد توجه ویژه‌ای قرار گرفته است.

از عصر روشنگری به بعد، جامعه بشری، به تعریف جدیدی از انسان و جهان پرداخت. طی این سال‌ها، انسان به‌عنوان موجود ذی‌حقی شناخته شده که توانایی اداره امور شخصی و اجتماعی خود را (از طریق قراردادهای اجتماعی) دارد. حق یکی از مقوله‌های فربه در رشته‌های مختلف همانند حقوق، علوم سیاسی، اخلاق می‌باشد و از این رو پرداختن به آن ولو کلی و مختصر به عنوان پیش‌زمینه در همه عرصه‌هایی که بحث حق و حقوق به معنای عام آن پیش می‌آید، به نظر حیاتی می‌آید.

تا قبل از قرن سیزدهم میلادی، حق عمدتاً در معنای حق بودن (خیر) که نقطه مقابل آن باطل بودن (شر) است به کار می‌رفت. از قرن سیزده به بعد حق به معنای جدید آن یعنی حق داشتن به‌کار رفت و این معنای دوم بود که باعث شفافیت و عینیت مفهوم حق و همین طور کاربرد آن گردید. حق در این معنا مهم‌ترین عنصر شهروندی و همین‌طور مهم‌ترین هدف و محرک حرکت ها و نهضت‌های اجتماعی است و از آن مهم‌تر انسانیت انسان، حیثیت ذاتی و کرامت او در پرتو بهره‌مندی‌اش از حق‌ها معنا و مفهوم پیدا می‌کند. حضور حق‌ها در بطن زندگی اجتماعی و از آن طریق تأمین و تضمین انسانیت و حیثیت و کرامت انسان در گرو تلاش فردی و اجتماعی انسان‌هاست به عبارتی، تلاش افراد در روابط بین خودشان و در رابطه با موجود قدرتمند دولت، ضامن واقعی اجرای حق‌هاست. از طرف دیگر اگر جنبش‌های اجتماعی در قالب و چارچوب حق‌مدار شکل گرفته و ماهیت احساسی و خطرناک به خود نگیرد و دولت (که اصولاً باید نماینده همه شهروندان باشد) و گرایش غالب و حاکم بر جامعه، این حرکت حق‌مدار را پذیرا شده و طرد نکند، در آن صورت می‌توان به تأمین و تضمین صلح و زندگی مسالمت‌آمیز، عدالت، ثبات و تمامیت ارضی و وحدت جوامع امیدوار بود.

یکی از مکانیسم‌های اساسی در این راستا، آموزش شهروندی است. (همتی، ۱۳۸۷) آموزش شهروندی عامل مهمی در نهادینه شدن حقوق شهروندی است. آموزش شهروندی منجر به تحکیم و تقویت نظام ارزشی مهارت‌های شهروندی در جهت استحکام دموکراسی و مشارکت پایدار شهروندان می‌گردد. این مؤلفه ضامن بقاء و تداوم حیات اجتماعی و میزان توسعه همه‌جانبه جوامع صنعتی و رو به پیشرفت است. چنین تربیتی از همان آغاز طفولیت نوعی اعتماد به نفس و رفتارهای مسؤولانه را از نظر اجتماعی و اخلاقی به وجود می‌آورد؛ نقش دیگر این مولفه، ارائه اطلاعات و آگاهی در مورد مسایل عمومی جامعه در ابعاد محلی، ملی و جهانی است. چنین آموزه‌هایی واجد فضایل و اخلاق مدنی و جمعی است و جستجویی برای مساوات طلبی است. در واقع آموزش شهروندمداری در یک جامعه باعث این شده که تمام اعضای جامعه از حس شهروندی مثبتی به صورت ملی برخوردار باشند و ضمن برخوداری از احترام ملی، از حقوق مشخص اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و فرهنگی بهره‌مند گردند.

یادگیری پارامترهای آموزش رفتار شهروندی به افزایش کیفیت زندگی جمعی و تقویت سرمایه اجتماعی در زندگی کمک شایانی می‌کند. آموزش رفتارهای شهروندی در افزایش کیفیت عملکرد سازمان‌های مدنی بسیار اثرگذار است، این آموزه‌ها به تقویت اخلاق اجتماعی و بسط همبستگی اجتماعی یک جامعه در سطح محلی، ملی و جهانی کمک خواهد کرد، آموزش شهروندی بخشی از وظایف مدیریت شهری است، در واقع دولت و نهادهای قانون‌گذار، سازمان‌های ملی و محلی، تشکل‌های مدنی و… از طریق آموزش حقوق شهروندی و مهارت‌های زندگی جمعی و شناخت اصول مدیریت شهری نقش بارزی در تربیت شهروندان خواهند داشت. بر این اساس، در نوشتار حاضر، مطالب در دو محور بررسی شده است: نخست تعریف مفهوم شهروندی وحقوق شهروندی و آموزش و تربیت شهروندی مورد بحث و بررسی قرار گرفته و سپس به ابعاد و انواع حقوق شهروندی و آموزش آن پرداخته شده است.

**۱- تعاریف**  
**۱-۱- شهروند (Citizen)** : شهروند عبارت است از کلیه افراد اعم از زن و مرد، کوچک و بزرگ، از هر نوع دین و آیین و قومیت و طبقه اجتماعی که در یک جامعه زندگی می‌نمایند (ملکی، ۱۳۸۷به نقل از ساعی ارسی، ۱۳۹۱). شهروند به اتباع یک شهر یا کشور اطلاق می‌شود که توسعه و رعایت و ایجاد مصادیقی مانند: آزادی، مالکیت، امنیت و غیره برای آحاد مردم در نظر گرفته می‌شود. شهروند در گذشته به کسی گفته می‌شد که در شهر ساکن بوده و مطابق قانون از مزایای مدنی آن بهره مند می‌گردید. امروزه شهروند اصطلاحی است که با نفوذ حقوقی مدرن و تلقی‌های جدید مفهوم وسیعی یافته و مترادف تمام اتباع یک کشور به کار می‌رود و مصادیق آن آزادی، مالکیت و امنیت است (همان منبع: ص ۱۳۹).

**۱-۲- حقوق شهروندی (Citizen Right)**: حقوق شهروندی عبارت است از برخورداری افراد یک جامعه از کلیه‌ی حقوق فردی و اجتماعی. حقوق شهروندی آمیخته‌ای از وظایف و مسئولیت‌های افراد در قبال یکدیگر، شهر و دولت می‌باشد. به مجموعه‌ی این حقوق و مسئولیت ها "حقوق شهروندی" اطلاق می‌شود (ساعی ارسی، ۱۳۹۱).  
اصطلاح حقوق شهروندی (در مفهوم جدید) اولین بار در اعلامیه حقوق بشر و شهروندی سال ۱۷۸۹م فرانسه مطرح شد که پس از تصویب در صدر قانون اساسی سپتامبر ۱۷۹۱م قرار گرفت. اعلامیه جهانی حقوق بشر که در سال ۱۹۴۸م در مجمع عمومی ملل متحد به امضای کشورها رسید در بسیاری از مواد خود از محتوای اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه الهام گرفته است (آفنداک، ۱۳۸۵به نقل از محسنی، ۱۳۸۹). **۲- مؤلفه‌های شهروندی**  
برای شهروندی، مؤلفه‌هایی قائلند؛ صاحب‌نظران با توجه به نوع نگاه خود، مؤلفه‌های شهروندی را مطرح می‌کنند؛ سامرز؛ تفکر انتقادی، توجه به نفع عمومی، مشارکت در زمینه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، درک نیازها و نگرش‌های دیگران، رفتار متعهدانه و… را مدنظر قرار می‌دهند. (فتحی واجارگاه و واحد چوکده، ۱۳۸۸) اندیشه‌ورزی و ژرف‌اندیشی، سعه صدر و تحمل اندیشه‌های مخالف، قانون‌گرایی و قانون‌پذیری، احساس خودارزشمندی و عزت و اعتماد به نفس، تمایل به رقابت سازنده، عدم تمکین به روابط مبتنی بر قدرت مستبدانه، تقویت روحیه پرسش‌گری و کنجکاوی، تمایل به تفکر خلاّق و واگرا در حل مسائل مبتلابه محیط پیرامون، توانایی و جرأت در ابراز اندیشه، از جمله ویژگی‌هایی است که به‌عنوان پایه‌های مفهوم شهروندی قلمداد می‌شود (مهرمحمدی،۱۳۷۷) در مجموع مؤلفه‌های شهروندی عبارتند از:

**۲-۱- دانایی محوری**  
شهروند، کنجکاو و در جستجوی دانایی است. در دانایی محوری که مهم‌ترین مؤلفه متشکله شهروندی است، گام اول مشارکت فعال و مسؤولیت پذیری است و داشتن آگاهی در زمینه موضوعات تاریخی، اجتماعی و فرهنگی در سطح محلی، ملی و بین‌المللی پیش‌نیازی اساسی به شمار می‌رود.

**۲-۲- وطن دوستی**  
یک شهروند به شهر و کشورش احساس تعلق‌می کند. وطن‌دوستی به معنای وفاداری نسبت به کشور خود و دیدن مصالح جامعه در انجام فعالیت‌های روزانه است. یکی از مسائل عینی شهروندی، احساس تعلق اجتماعی به فرهنگ، آداب و رسوم و… یک کشور است. تجلّی عینی این احساس این است که یک شهروند، مرز و بوم خود را خانه‌ی اصلی خود بداند. این احساس به طور طبیعی در میان جامعه مهاجران، احساس ضعیفی است.

**۲-۳- قانون مداری**  
قانون عاملی است که زمینه انسجام و یگانگی میان افراد جامعه را فراهم می‌سازد. شهروند تلاش می‌کند تا قوانین را علی‌رغم این که مغایر با نفع شخصی او باشد، در زندگی به کار گیرد. او هرگونه اعتراض به قانون را از مسیر گفتمان پی می‌گیرد. اما در ابتدا التزام عملی به قانون را وظیفه خود می‌داند.

**۲-۴- مسؤولیت پذیری**  
شهروندی مفهومی است که با مسؤولیت و مسؤولیت‌پذیری آحاد جامعه همراه است از آن‌جایی که در جامعه، فرد آیینه‌ی دیگران است، هرگونه تسامح در انجام وظایف خود را، در زیرساخت‌های جامعه مؤثر می‌داند. زیباترین احساس خوشایند شهروندی، تلاش برای همکاری و تعاون و بار مسؤولیت خود و دیگران را به دوش کشیدن است.

**۲-۵- مشارکت**  
ارسطو، جامعه سیاسی را یک جامعه اخلاقی می‌داند که در آن شهروندان از طریق مشارکت پیشرفت می‌کنند. از نظر ماکیاولی، شهروندی مغایر با بی‌تفاوتی است، آن یک وظیفه و تعهد است که هم به نفع جمعی و هم به نفع شخصی توجه دارد. مشارکت تنها این نیست که فرد در نقش رأی دادن ظاهر شود، بلکه در فرآیند شهروندی باید نقش راهبردی داشته و اشاعه‌دهنده فرهنگ مسؤولیت‌پذیر باشد.

**۲-۶- انتقادگری و انتقادپذیری**  
انتقادگری و انتقادپذیری اصل اساسی تعاملات مؤثر میان شهروندان است. آنان باید توانایی داشته باشند تا فعل و انفعالات جامعه را مورد مداقه قرار دهند و سپس هرگونه تحلیل فکری: منظم و منطقی و جهت بهبود فرآیندها را ارایه دهند (فتحی واجارگاه و واحد چوکده،۱۳۸۸). انتقادپذیری نیز به معنای توانایی تحلیل نظر دیگران و سپس درک منطق و مفهوم پیاده و پذیرش و یا رد آن است.

**۲-۷- شهروندی چند بعدی**  
شهروندی چند بعدی، لازمه فعالیت شهروندان در مواجهه با چالش‌های قرن بیست و یکم است. شهروندی چندبعدی، مستلزم این است که شهروندان دارای توانایی‌های زیر باشند:  
مواجهه با مشکلات به‌عنوان عضوی از یک جامعه جهانی؛ فعالیت مشارکتی با دیگران؛ عهده‌دار شدن مسؤولیت برای نقش‌ها و وظایفی که در جامعه وجود دارد؛ تفکر منتقدانه و منظم و البته مستمر؛ توانایی حل تعارض در یک بستر عاری از خشونت؛ اتخاذ شیوه زندگی که پاسدار و حامی ویژگی‌های محیطی است؛ احترام و دفاع از حقوق بشر؛ مشارکت در زندگی عمومی؛ به کارگیری تکنولوژی اطلاعات به عنوان یک مزیت مدنی. **۳- آموزش و تربیت شهروندی**  
آموزش و تربیت شهروندی از مفاهیم مجادله‌ای و بحث‌برانگیزی است. گوایگلی در تبیین مفهومی تربیت شهروندی، سه مؤلفه‌ی به هم مرتبط را تحت عنوان دانش شهروندی، مهارت‌های شهروندی و نگرش شهروندی مدنظر قرار داده و آنها را از جمله عناصر اصلی تعریف شهروندی می‌داند   
وی هر کدام از مولفه‌های سه گانه فوق را عبارت می‌داند از: دانش شهروندی عبارت است از عقاید و اطلاعات اساسی که یادگیرندگان به منظور این‌که شهروند مسؤول و مؤثر یک دموکراسی باشد باید بدانند و به کار گیرند. مهارت شهروندی عبارت است از مهارت‌های عقلانی مورد نیاز به منظور فهمیدن، توضیح دادن، مقایسه کردن، ارزیابی کردن اصول و عملکردهای دولت و شهروندی. مهارت‌های شهروندی همچنین شامل مهارت های مشارکتی است که شهروندان را قادر می‌سازد تا خط مشی‌های دولت را تحت نظارت و تأثیر قرار دهند.  
نگرش شهروندی عبارت است از ویژگی های شخصیتی، خلق و خوی‌ها، تعهدات مورد نیاز برای حفظ و گسترش حکومت دموکراتیک و شهروندی. نمونه‌هایی از نگرش شهروندی عبارت است از احترام به ارزش افراد، صداقت، تحمل و شکیبایی، همدردی و وطن پرستی، تعهد نسبت به حقوق بشر، نفع عمومی، برابری و رعایت قانون. گوایگلی، تربیت شهروندی را توسعه دانش، مهارت‌ها و نگرش شهروندی در فراگیران می‌داند (همان منبع).  
استراتژی یونسکو در قلمرو آموزش شهروندی و حقوق انسانی مبنی بر رویکرد جامع برای حقوق انسانی است، این حقوق غیرقابل تقسیم بوده و وابستگی متقابلی با همه حقوق شهروندی (فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی) دارد. در این دیدگاه، هدف آموزش شهروندی انتشار و توزیع اطلاعات برای ساختن یک فرهنگ کلی حقوق انسانی با بهره‌مندی دانش و مهارت قالب بندی نگرش‌های مثبت و آماده کردن فراگیران با توانایی‌های لازم برای همراهی و ایجاد تغییرات اجتماعی است. بنابراین هدف آموزش حقوق انسانی و شهروندی عبارت است از: تلاش و کوشش فراوان در رابطه با حقوق انسانی و آزادی‌های اساسی. توسعه کامل شخصیت انسانی و احساس وی از جایگاه و مرتبه خود. رشد ادراک افراد، برابری جنسیتی و دوستی و برادری بین همه ملل، افراد بومی و گروه‌های نژادی، تقویت فعالیت‌هایی در جهت برقراری صلح ( ایزدی، صمد و علی آقامحمدی،۱۳۸۶). **۴- ابعاد حقوق شهروندی**  
اعلامیه جهانی حقوق بشر در این زمینه مقرر می‌دارد؛ کمال مطلوب انسان آزاد و رهایی یافته از ترس و فقر در صورتی حاصل می‌شود که شرایط تمتع هر کس از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و همچنین مدنی و سیاسی او ایجاد می‌شود. بند دوم ماده ۲ میثاق بین الملی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مقرر داشته که: کشورهای طرف این میثاق متعهد می‌شوند که اعمال حقوق مذکور در این میثاق را بدون هیچ نوع تبعیض از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا هر گونه عقیده دیگر، اصل و منشاء ملی یا اجتماع، ثروت، نسب یا هر وضعیت دیگر تضمین نمایند. همچنین در بند سوم همین ماده بر توجه به حقوق اقتصادی شناخته شده در این میثاق و تضمین آن تأکید شده است. حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را می توان در مؤلفه‌هایی چون حق آزادی، انتخاب شغل و استفاده از شرایط اختیار و رضایت بخش و همچنین حمایت در برابر بی‌کاری و دریافت دستمزد مساوی و بر ابر و دریافت پاداش منصفانه و رضایت‌بخش، حق داشتن مسکن، حق تشکیل اتحادیه‌ها و سندیکاهای صنفی و عضویت در آنها، حق استفاده از بهداشت عمومی، مراقبت‌های پزشکی، بیمه‌های اجتماعی و خدمات اجتماعی، حق تحصیل و کارآموزی حرفه‌ای، حق مشارکت در فعالیت های فرهنگی با در نظر گرفتن شرایط یکسان، حق دسترسی به کلیه امکانات خدماتی که به عموم عرضه می‌شود از قبیل وسایل نقلیه، هتل‌ها، رستوران‌ها و پار ک‌ها، مورد مطالعه قرار داد (ماده ۵ کنوانسیون بین المللی؛ به نقل از محسنی ۱۳۸۹).  
آلن سیرز و وان هبرت در تحلیل ابعاد شهروندی، دیدگاه دیگری را بیان می‌کنند. آنها ابعاد شهروندی را عبارت می‌دانند از:  
۱- بعد مدنی شهروندی؛  
۲- بعد سیاسی شهروندی؛  
۳- بعد اجتماعی – اقتصادی شهروندی؛  
۴- بعد فرهنگی یا گروهی شهروندی.  
در بعد مدنی شهروندی، ارزش‌های اساسی جامعه، حدود تصمیم‌گیری‌های دولتی در ارتباط با افراد شهروند، حقوق و تعاملات گروه‌های ویژه و ذی‌نفع را مشخص می‌کند. بعد مدنی شهروندی، عواملی نظیر آزادی در گفتار، برابری در مقابل قانون، آزادی در تعاملات و ارتباطات به معنای عام و همچنین جریان آزادانه دسترسی به اطلاعات را شامل می‌گردد. بعد سیاسی شهروندی، مسائل حق رأی و مشارکت سیاسی شهروندان است. به عبارت دیگر، شهروندی سیاسی، به حقوق و وظایف سیاسی اشاره دارد که در قالب نظام سیاسی تبلور پیدا می‌کند. بعد اجتماعی – اقتصادی شهروندی، به ارتباط بین افراد در یک موقعیت اجتماعی و همچنین به مشارکت در یک فضای باز سیاسی اشاره دارد. بعد فرهنگی یا گروهی شهروندان، به شیوه ای‌از فرآیند گسترش تنوع فرهنگی اشاره می‌کنند که با موضوعاتی نظیر توانایی پذیرش فرهنگ‌های دیگر، مهاجرت جهانی، افزایش تحرک و تغییرپذیری همراه است. شهروندی فرهنگی به آگاهی از میراث عمومی فرهنگی اشاره دارد (فتحی واجارگاه و واحد چوکده، ۱۳۸۸). **۵- انواع حقوق شهروندی**  
حقوق شهروندی در سه بعد حقوق مدنی، حقوق اجتماعی و حقوق سیاسی قابل شناسایی است.

**۵-۱- حقوق مدنی**  
آزادی بیان، آزادی عقیده، آزادی عقیده و مذهب، آزادی مالکیت و آزادی رفت و آمد از برجسته‌ترین حقوق مدنی یک شهروند شمرده می‌شوند. بدون تضمین حفاظت از این حقوق توسط نظام سیاسی و جامعه نمی‌توان قائل به وجود مفهوم 'شهروندی' شد.

**۵-۲- حقوق اجتماعی**  
حق تشکیل سازمان، انجمن و سندیکا برای تجمیع، بیان و برآورده‌سازی مطالبات اجتماعی، حق برخورداری از بهداشت عمومی، حق برخورداری از آموزش فراگیر و عمومی، حق برخورداری از حمایت قانون، حق برخورداری از رفتار برابر در مقابل دستگاه قضایی، حق داشتن دستمزد عادلانه، حق داشتن استراحت و توزیع اوقات فراغت، حق زنان در برخورداری از حقوق برابر با مردان، حق برخورد مبتنی بر کرامت انسانی و رعایت حقوق طبیعی از طرف حکومت، حق برخورداری از آزادی تجمع برای اعتراض مسالمت‌آمیز و حقوقی مشابه. شهروند فردی است که درعرصه جامعه از حقوق ذکرشده برخوردار باشد.

**۵-۳- حقوق سیاسی**  
حق دسترسی برابر به مناسب حکومتی، حق برخورداری از مشارکت سیاسی نهادمند، حق تشکیل حزب برای شرکت در تعمیم‌سازی سیاسی، حق برخورداری از انتخابات منظم ادواری، آزاد و سالم. برخورداری از حق عزل حاکمان از طریق سازوکارهای مطلوب، حق داشتن امنیت سیاسی، حق نقد حاکمان از طریق نهادینه‌سازی آزادی بیان. حقوق سیاسی به عنوان حقوق عالی شهروندی تعریف می‌شود. چنانچه حقوق سه‌گانه‌ی فوق رعایت نشود وجود مفهوم "شهروند" دچار شک و تردید می‌شود. رعایت یا عدم رعایت حقوق گفته‌شده با ماهیت نظام‌های سیاسی ارتباط مستقیم دارد. بنابراین مردم‌سالاری کردن (دموکراتیزاسیون) در حوزه سیاست ابزاری مهم برای تحقق "شهروندی" است. استبداد سیاسی یا به‌عبارتی حکومت‌ مطلقه (Absolutism) مانعی مهم برای نهادینگی "حقوق شهروندی" قلمداد می‌شود (ساعی ارسی، ۱۳۹۱). **۶- آموزش حقوق شهروندی**   
آموزش حقوق شهروندی به طور غیررسمی در خانه یا محل کار یا کارگاه‌های آموزشی و یا به‌طور رسمی در دروس مدارس ابتدایی به شهروندان آموخته می‌شود. آنان از این طریق به شهروندان فعال، آگاه و مسئول تبدیل می‌شوند.  
تربیت شهروندی، یکی از فروع شهروندی است که با توجه به تحولات سریع اجتماعی، فن‌آوری و سیاسی دوران معاصر، از جمله دل‌مشغولی‌های برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران آموزش و پرورش کشورهای جهان به شمار می‌آید. در کشورهای توسعه‌یافته، مفاهیم شهروندی از دوران کودکی تا نوجوانی آموزش داده می‌شود و دولت نیز آموزش‌های لازم را در اختیار والدین و آموزگاران قرار می‌دهد. در انگلستان از سال ۲۰۰۲ میلادی، آموزش شهروندی و آشنایی با آن به طور رسمی در برنامه‌ی درسی مدارس از سنین ۱۱ تا ۱۶ سالگی قرار گرفت. اهداف این آموزش بدین قرار است:  
۱- آشنایی با حقوق و مسئولیت‌های شهروندی  
۲- بحث و بررسی درباره‌ی سرفصل‌ها و موضوعات مهم شهروندی   
۳- فهم و شناخت جامعه و آشنایی با فعالیت‌های اجتماعی  
۴- مشارکت فعال در یک برنامه اجتماعی یا گروهی (خورشیدی، ۱۳۸۹به نقل از ساعی، ۱۳۹۱). **۷- مهارت های اجتماعی مرتبط با درک و حمایت از حقوق شهروندی:**   
شناسایی و پذیرش تفاوت‌ها؛ ایجاد روابط فردی مثبت و غیرظالمانه؛ حل اختلاف به‌صورت مسالمت‌آمیز؛ قبول مسئولیت؛ مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها؛ **۸- روش های و راه‌کارهای ایجاد و تقویت مهارت شهروندی**   
برخی از مهم‌ترین روش‌های ایجاد و تقویت مهارت شهروندی در مدرسه عبارتند از:  
۱. آشناکردن دانش‌آموزان با قوانین و مقررات جامعه  
۲. آشناکردن دانش‌آموزان به حقوق شهروندیشان  
۳. آموزش اخلاق و ادب اجتماعی به دانش‌آموزان  
۴. آموزش رعایت انضباط اجتماعی و حفظ اموال عمومی  
۵. آموزش کمک به هم‌نوعان و شهروندان بدون توجه به مکان زندگی، رنگ، نژاد، مقام و ثروت.  
۶. آموزش قائل شدن حق زندگی برای همه  
۷. اشاعه آزادانه‌ی افکار، مردم‌سالاری و وحدت ملی در جامعه به دانش آموزان  
۸. آموزش رعایت حقوق همه‌ی گروه‌ها، طبقات، ادیان، قومیت‌ها و نژادها و…  
۹. گسترش ارزش‌های والای انسانی در جامعه و نهادینه کردن آنها  
۱۰. از بین بردن تضاد و کشمکش بین مردم در جامعه  
۱۱. آموزش احترام به کرامت‌های انسانی به دانش آموزان  
۱۲. آموزش نظم، وجدان کاری و فرهنگ کار به دانش آموزان  
۱۳. آموزش عدالت‌جویی و حق‌جویی و پرهیز از ظلم به دانش آموزان (همان منبع).  
۱۴. برگزاری سمینارها و دوره‌های آموزش حقوق شهروندی  
۱۵. ارائه بروشورهایی در زمینه آموزش حقوق شهروندی  
۱۶. اجرا و توجه جدی به طرح شهردار مدرسه در مدارس  
۱۷. بهره‌گیری از الگوی مدارس دموکراتیک در مدرسه.

از دیگر مهارت‌هایی که آموزش و یادگیری آنها در پرورش شهروندانی فعال موثر است، می‌توان به این موارد اشاره کرد:  
الف – تقویت شیوه‌های همکاری و کار گروهی.  
ب – تصمیم‌گیری به شیوه شورایی.  
ج – توانایی بخشیدن به افراد برای استدلال و نقد کردن.  
د- تقویت مهارت‌های مؤثر ارتباطی.  
هـ – مدیریت مشترک فعالیت‌ها و کارهای محلی.  
و- درگیر شدن در کارها و فعالیت‌های محلی.  
ز- تقویت گفتگو و مهارت‌های مشارکتی (ذکایی، ۱۳۸۱). **۹- نتیجه گیری**  
شهروندی مجموعه‌ی گسترده‌ای از فعالیت‌های فردی و اجتماعی است. فعالیت‌هایی که اگرچه فردی باشند اما برآیند آن، به پیشرفت وضعیت اجتماعی کمک خواهد کرد. شهروندی، از جمله مفاهیم نو پدیدی است که به طور ویژه‌ای به برابری و عدالت توجه دارد و در نظریات اجتماعی، سیاسی و حقوقی جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده است. مقوله «شهروندی» وقتی تحقق می‌یابد که همه افراد یک جامعه از کلیه حقوق مدنی و سیاسی برخوردار باشند و همچنین به فرصت‌های مورد نظر زندگی از حیث اقتصادی و اجتماعی دسترسی آسان داشته باشند. ضمن اینکه شهروندان به عنوان اعضای یک جامعه در حوزه‌های مختلف مشارکت دارند و در برابر حقوقی که دارند، مسئولیت‌هایی را نیز در راستای اداره بهتر جامعه و ایجاد نظم بر عهده می‌گیرند، و شناخت این حقوق و تکالیف نقش مؤثری در ارتقای شهروندی و ایجاد جامعه‌ای بر اساس نظم و عدالت دارد. براین اساس آموزش حقوق شهروندی، همانا نهادینه سازی نظامی از حق ها و تکلیف‌های متناسب با شهروندی مبتنی بر کرامت و ارزش والای انسانی است. آموزش حقوق شهروندی یا به طور رسمی در دروس مدارس ابتدایی به شهروندان آموخته می‌شود یا به طور غیررسمی در خانه (رفتار والدین بهترین الگوی عملی برای تقویت مهارت‌های شهروندی فرزندان جامعه می‌باشد) یا محل کار یا کارگاه‌های آموزشی.

۹-۱- آموزش رسمی از مقطع آمادگی آغاز و تا دوره دانشگاهی ادامه می‌یابد. در هر یک از مقاطع آمادگی، دبستان، راهنمایی و دبیرستان با توجه به شرایط سنی و ذهنی کودکان و نوجوانان و جوانان، آموزش حقوق شهروندی با روش کاملاً غیرمستقیم (از طریق نحوه رفتار و برخورد آموزگار با کودکان)، به‌عبارتی مدارس برای دانش‌آموزان فضایی فراهم کنند که دانش‌آموزان، شهر را تجربه کنند و با حقوق شهروندی به شکل عملی آشنا شوند. یعنی ساختارها، روش ها و محیط‌های آموزشی برای تدوین و یادگیری شهروندی آماده شوند. و طرح مستقیم مفاهیم حقوق شهروندی با دانش آموزان (با بهره‌گیری از روش‌های تدریس فعال از جمله؛ روش حل مسئله، روش کاوشگری، روش پروژه، روش یادگیری مشارکتی و…) و همچنین اطلاع‌رسانی در خصوص حقوق شهروندی با برگزاری کنفرانس، سمینار، دوره‌های کوتاه مدت و تهیه و تدوین کتابچه تصویری،کتب آموزشی، ابزار سمعی و بصری و فعالیت‌های فوق‌برنامه و اردوهای دانش‌آموزی به‌عنوان راه‌کارهای تربیت شهروندی بهره برد.

۹-۲- آموزش غیررسمی موجب عمومیت یافتن حساسیت نسبت به رعایت حقوق شهروندی از طریق مشارکت نهادهای عمومی و خصوصی می‌گردد. آموزش حقوق شهروندی و آزادی‌های عمومی در نهادهای عمومی دولتی و غیر دولتی از اهمیت مضاعفی برخوردار است، زیرا موجب استقرار و گسترش فرهنگ انسان ذیحق و مطالبه کننده – حکومت خادم و پاسخ‌گوی و در نتیجه تعمیق دولت قانون‌مدار می‌شود.

۹-۲-۱- فعالیت خاص شهرداری‌ها در زمینه آموزش همگانی (اجتماعی) در زمینه‌های مختلف حقوق شهروندی توصیه می‌گردد، خصوصاً در زمینه‌های: حقوق و تکالیف شهروندی؛ زنان؛ کودکان؛ مشارکت سیاسی؛ حقوق سندیکایی؛ حقوق محیط زیست؛ حقوق اقتصادی و اجتماعی، شهرداری‌ها می‌توانند این مهم را از طریق ابزار سمعی و بصری، برقراری دوره‌های کوتاه‌مدت و برنامه‌های هنری و فرهنگی و تأسیس نهادهای مدنی و غیر دولتی مانند «مجمع‌های محلی ارزیابی و پژوهش» به‌عنوان نوعی برنامه عملی برای آشنا ساختن جوانان با حقوق و وظایف خود به عنوان شهروند انجام دهند.

**يكي از پایدارترین فرايندهاي جامعه بشري فرايند شهرنشيني بوده كه در سده بيستم شتاب بيشتري يافت و رشد آن در سده بيست و يكم به حدي رسيد كه پديده‌اي تحت عنوان شهري شدن جهان به وجود آمد.  
قدمت و اهميت شهرنشيني و عنايت صاحبان قدرت، انديشمندان همه قرون و عصرها را واداشته تا بر جنبه‌هاي مختلف جسم و روح شهر درنگ كنند و بكوشند تا قانونمندي‌هاي زندگي را دريابند و بر پايه يافته‌هاي خود به طراحي و برنامه‌ريزي شهري دست يازند و براي مسائل و مشكلات شهر و شهرنشيني چاره‌جويي كنند، روي آوردن سيل‌وار آدميان به شهرها، انبوهي و ازدحام جمعيت شهرها را با مشكلات متعددي نظير زيست محيطي، بهداشتي، اقتصادي، اجتماعي و روان‌شناختي رو برو مي‌سازد.  
پس ما اكنون شهري داريم با مسائل و مشكلات بسيار كه چه بخواهيم و چه نخواهيم بايد در آن زندگي كنيم، در واقع ما وارث معضلاتي هستيم كه خود بر خود تحميل نموديم و گريزي از آن نيست.  
وجود معضل‌هاي بزرگ شهري مانند ترافيك، رعايت نكردن قوانين عبور و مرور و ... از سوي شهروندان علاوه بر گسترش زمينه‌هاي بي‌اعتمادي ميان شهرنشينان در پاره‌اي مواقع ميل به قانون‌گريزي را در جوامع دامن زده است. هر شهري در كنار ساخت فضاها و كالبد شهر، نيازمند برقراري روابط معقول بين محيط طبيعي و فيزيكي با وضع اجتماعي و فرهنگي است، به طور معمول ريشه بسياري از بحران‌هاي بزرگ و زنجيره‌اي را بايد در ضعف فرهنگ بومي و محله‌اي دنبال كرد خصوصي شدن اوقات فراغت‌، كاهش ارتباط بين افراد ونبود زمان و فرصت كافي براي تخليه ناشي از مشكلات در زندگي روزانه گسترش يافته و بر ايجاد تشديد بحران‌هاي شهري مؤثر واقع شده است.  
پس لازمه حل مسائل شهري و بحران‌ها، اصلاح رفتار شهروندان و وجود فرهنگ مناسب شهرنشيني است، دو مقوله‌اي كه پايه و اساس پايداري و دوام شهر است. همه اجزاي شهر بايد با در نظر گرفتن نقش فرهنگ در مناسبت اجتماعي شهر، تأسيسات شهري، نظام حمل و نقل، كالبد شهر و كاربرهاي شهري سعي كنند تعادل لازم را به وجود آورند.  
در حال حاضر از فناوري اطلاعات استفاده‌هاي مؤثري در زمينه‌هاي مختلف به خصوص معماري و شهرسازي مي‌شود و اطلاعات مفيدي را در زمان كوتاه با صرف هزينه كم در اختيار شهروندان قرار مي‌دهد. پس اولين گام در ارتقاي فرهنگ شهرنشيني اطلاع رساني و آگاهي بخشيدن به شهروندان است. براي انجام اين امر مهم، ارگان‌ها و نهادهاي مربوطه با همكاري، تعاون و تعامل در تحقق آن سعي كنند و متناسب با شرايط و موقعيت اجتماعي و فردي، بهترين وسيله اطلاعاتي انتخاب و با كيفيت عالي در اختيار شهروندان قرار داده شود. به عنوان مثال طرح آموزش شهروندي با همكاري آموزش و پرورش مي‌تواند در فراگيري فرهنگ شهرنشيني مؤثر واقع شود.  
  
مفهوم شهروند(Citizen)  
شهروندی (انگلیسی: Citizenship) همانطور که روشن است از مشتقات شهر (City) است . شهروندی را قالب پیشرفتهٔ «شهرنشینی» می‌دانند. به باور برخی از کارشناسان، شهرنشینان هنگامی که به حقوق یکدیگر احترام گذارده و به مسئولیت‌های خویش در قبال شهر و اجتماع عمل نمایند به «شهروند» ارتقاء یافته‌اند.  
مطالعه علمی شهروندی و فرهنگ آن از قرن 19 شکل گرفته است. در زبان فارسی پسوند "وند"  در اصطلاح شهروند نوعی مالکیت را برای اهالی و ساکنان یک شهر به عنوان صاحب و مالک آن، بیان می کند. در حوزه فرهنگ شهروندی شهروندی شامل "مسئولیت پذیری شهری، قانون مند بودن شهروندان، هنجار پذیری از الگو های شهرنشینی"  شده است، ابن خلدون در قالب "علم عمران" به بررسی پدیده شهروندی و شکل گیری فرهنگی آن اشاره می کند؛ هابز از نخستین نظریه پردازان سیاسی که در اندیشه های خود اشاره به فرهنگ شهروندی و بسط نظریه های مشارکت شهروندی  می کند، و دیدگاه بدبینانه داشته است. در اندیشه مارشال در حوزه فرهنگ شهروندی،  اشاره به سه نوع حقوق ( مدنی- سیاسی- اجتماعی) شده، در اندیشه ترنر، حوزه فرهنگ شهروندی و شکل گیری آن اشاره به چهار منبع اساسی " هویت- حقوق- منابع اقتصادی ، فرهنگی و سیاسی- جماعت" شده است. پارسنز در حوزه شهروندی ابتدا تأکید بر حفظ دموکراسی در آمریکا،  و تأکید بر ارزش های فرهنگی ریشه دار جامعه و استمرار آن در حوزه زندگی اجتماعی شده است. پوپر تکیه بر هویت مدنی در قالب مفهوم  فرهنگ شهروندی کرده است. درشکل گیری هویت فرهنگ شهروندی یکسری از نهاد های اجتماعی چون رسانه ها و مطبوعات، احزاب سیاسی و... با توجه به اهداف و کاربری هایشان در شهر اثر گذارند. در واقع غنای فرهنگ ایرانی در زمینه شهروندی از یک بار معنوی ویژه بر خوردارست، برای نمونه واژه "اهل" در فرهنگ ایرانی حاکی از سنخیت( هویت) شهروند با محل فرهنگ زندگی اش دارد.  واژه " ساکن"  نیز حکایت از روابط روانی شهروندان با محل زندگی خویش و نقش آنان دارد. امروزه در ایران پدیده شهروندی و فرهنگ آن در مطالعات علمی ما متأثر از جامعه مدنی ( غرب) است و ما در تکامل فرهنگ شهروندی خود  باید اشاره به تنظیم امور بر اساس مبانی و معیار های الگوی "ملی، منطقه ای و محلی" کنیم.   
در تعریف شهروند می توان گفت كه شهروند كسی است كه حقوق فردی و جمعی خود را می شناسد و از آنها دفاع می كند، قانون را می شناسد و به آن عمل می كند و از طریق آن مطالبه می كند، از حقوق معینی برخوردار است. می داند كه فرد دیگری هم حضور دارد و دفاع از حقوق او یعنی دفاع از حقوق خودش و فردی كه در امور شهر مشاركت دارد. پس شهروند نه تنها به معنای سكونت در یك شهر به مدت مشخص كه به معنای مجموعه ایی از آگاهی های حقوقی، فردی و اجتماعی است.   
عناصری نظیر هویت ملی و تعلقات اجتماعی- فرهنگی و مشاركت سیاسی از عناصر مهم در مفهوم شهروندی است ولی در یك جامعه مدنی حقوق یك فرد عبارتند از:" حقوق اساسی به معنای حقوق بنیادی شهروندان یك جامعه، حقوق سیاسی به معنای حق مشاركت در فرآیندهای سیاسی، حقوق اجتماعی كه در برگیرنده حقوق اقتصادی و نیز حداقل استانداردهای زندگی درتسهیلات اجتماعی است."  
حقوق ملت در قانون اساسی طی اصل های 19 تا 42 حقوق بنیادی تك تك افراد ملت ایران را چنین برمی شمرد:( آنچه می آید خلاصه ایی از متن اصول است بدون مخدوش شدن مفهوم آن):  
1. حق تساوی بدون درنظر گرفتن، رنگ، نژاد و زبان( اصل 19)  
2. برابری زن و مرد تحت حمایت قانون( اصل 20)  
3. رعایت حقوق زن بر اساس موازین اسلامی( اصل 21)  
4. مصونیت حیثیت جان، مال، حقوق، مسكن و شغل افراد( اصل 22)  
5. ممنوعیت تفتیش عقاید( اصل 23)  
6. آزادی نشریات و مطبوعات( اصل 24)  
7. ممنوعیت هرگونه تجسس در نامه، مكالمات تلفن و مخابراتی...( اصل 25)  
8. آزادی احزاب و جمعیت ها اعم از سیاسی و صنفی و دینی با رعایت احترام به اصول جمهوری اسلامی( اصل 26)  
9. آزادی تجمعات و راه پیمایی ها( بدون حمل اسلحه) ( اصل 27)  
10. آزادی در انتخاب شغل( اصل 28)  
11. برخورداری از تامین اجتماعی(اصل 29)  
12. آموزش و پرورش رایگان( اصل 30)  
13. داشتن مسكن مناسب( اصل 31)  
14. ممنوعیت دستگیری بدون حكم قانونی، در صورت وجود حكم قانونی، تفهیم اتهام بلافاصله و به صورت كتبی باید انجام شود. ( اصل 32)  
15. ممنوعیت تبعید و یا اقامت اجباری بدون دلایل قانونی( اصل 33)  
16. دادخواهی حق مسلم هر فرد است( اصل 34)  
17. حق انتخاب وكیل(اصل 35)  
18. حق اعمال مجازات تنها از سوی دادگاه و به حكم قانون( اصل 36)  
19. اصل بر برائت است مگر عكس آن ثابت شود( اصل 37)  
20. ممنوعیت هر گونه شكنجه( اصل 38)  
21. ممنوعیت هتك حرمت متهمان( اصل 39)  
22.  اعمال حق نباید وسیله اضرار به دیگران و یا تجاوز به منافع عمومی گردد( اصل 40)  
23. تابعیت ایرانی حق هر فرد ایرانی است( اصل 41)  
24. اتباع خارجی می توانند به تابعیت ایرانی درآیند( اصل 42)  
متاسفانه در سالهای گذشته هیچ پژوهشی ، درباره ویژگی و چیستیِ  «شهروند مطلوب» در كشورمان انجام نگرفته است. علاوه بر این نبود دروسی در زمینه حقوق و وظایف شهروندی در دروس مدارس خود باعث فقر آگاهی مردم ما نسبت به حقوقشان شده است ، و همه اینها سبب شده است كه مردم ما آگاهی های بسیار اندكی درباره حقوق و وظایف خود داشته باشند در نتیجه آنانكه امروزه در شهرها ساكنند را نمی توان شهروند نامید. آنان توده های مردمی در حال گذار به شهروندی هستند. " پژوهشی توسط " لی ونگ آن "در سطح آسیا انجام شده و 13 ویژگی زیر را برای شهروند مؤثر برشمرده است:  
1. از حوادث و مشكلات جاری جامعه آگاهی داشته باشد.  
2. در مسائل ، مشكلات و امور جامعه ملی و محلی مشاركت فعال داشته باشد.  
3. در قبال وظایف و نقش های تفویض شده مسئولیت پذیر باشد.  
4. نگران و دل مشغول رفاه و آسایش دیگران باشد.  
5. رفتار و عملكرد وی مبتنی بر اصول اخلاقی باشد.  
6. نسبت به قدرت افرادی كه دارای موقعیت مدیریتی و نظارت هستند پذیرش داشته باشند.  
7. توانایی بررسی و انتقاد از عقاید و ایده ها را دارا باشد.  
8. توانایی اتخاذ تصمیمات آگاهانه را دارا باشد.  
9. درباره حكومت و دولت خود آگاهی و دانش كافی داشته باشد.  
10. دارای حس وطن پرستی باشند.  
11. نسبت به مسئولیت های خاص پذیرش و مسئولیت داشته باشد.  
12. از جامعه جهانی و مسائل و روندهای آن آگاهی داشته باشد.  
13. به وجود تكثر و تنوع در جامعه احترام قائل باشد.(5)  
  
مفاهیم شهروندی  
مفهوم حقوق بشر اغلب در کنار دو مفهوم «حقوق اساسی» و «حقوق شهروندی» مطرح می‌شود. این سه مفهوم، گاه مترادف جانشین یکدیگر به کار می‌روند اما در تفکیک مفهومی مرزهای ظریفی میان این مفاهیم سه گانه و دلالت موضوعی وجود دارد.  
می‌توان گفت حقوق شهروندی آن بخش از حقوق اساسی است که در قانون اساسی هر کشوری شکل «ملی» به خود می‌گیرد و فقط شامل حال شهروندان همان کشور خاص می‌شود (مانند حق مشارکت سیاسی که ملهم از حقوق بشر در شکل نسبی آن است)  
بسیاری براین عقیده‌اند که قوانین موضوعه هر کشوری تاثیر مستقیم از مفهوم شهروندی و حقوق شهروندی می‌پذیرد. بعضی شهروندی را در ابعاد اجتماعی، سیاسی و مدنی تقسیم بندی می‌کنند اما به نظر می‌رسد در دسته بندی کلی می‌توان شهروندی را در مسئولیتهای فردی و اجتماعی شهروندان و همچنین مسئولیت‌های دولت در قبال شهروندان بررسی کرد. با نگاهی کلی در جوامع مختلف میتوان بخشی ازاین مفاهیم مشترک را عنوان و تکمیل کرد.  
مسئولیت‌های اجتماعی  
شهروندان به طور داوطلبانه امکانات خود را جهت کمک به پیشرفت و بهبود شهر به کار می‌گیرند. شهروندان فعال با توجه به تخصص و استعداد خود در سازمانها و کمیته‌های محلی گوناگون نظیر انجمن‌ اولیا و مربیان و سازمان‌های غیردولتی عضویت و فعالیت می‌کنند. شرکت در نشست‌ها و اجتماعات شهری، حضور در محکمه‌های عمومی، هیات‌ منصفه یا هیات‌های حل اختلاف، مشارکت در پروژه‌های اجتماعی برای پیشرفت جامعه و همچنین یافتن مشکلات و راه‌حل آن‌ها بسیار سودمند خواهد بود.صاحبنظران برین عقیده‌اند که اجتماعات محلی، و نهادهای مردم محور می‌توانند با ارائه رفتارهای جدید و نهادینه ساختن آنها در جوامع، نقش موثری در ایجاد و بازتولید مفهوم شهروندی ایفا نمایند.  
مسئولیت‌های فردی  
رای دادن:حق رای در عین حالی که، از نظر بسیاری، از جمله مسئولیت‌های شهروندی محسوب می‌گردد اما در واقع یک امتیاز نیز می‌باشد. کسانی که رای نمی‌دهند در واقع صدایشان          در دولت شنیده نمی‌شود.  
قبل از هر رای‌گیری، اطلاعات مربوط به موضوع یا نامزدها باید بصورت شفاف به اطلاع شهروندان برسد.  
خدمت در ارتش: در زمان جنگ، هر مردی که توانایی بدنی دارد، برای جنگ فراخوانده می‌شود. در زمان صلح نیز به صورت خدمت اجباری سربازی و یا داوطلبانه در نیروهای مسلح           حاضر می‌شوند.   
احترام به قانون و حقوق دیگران: هر شهروندی می‌بایست از قوانین اجتماع، ایالت و کشوری که در آنجا زندگی می‌کند، پیروی کند.   
هر شهروندی می‌بایست به حقوق دیگران احترام بگذارد.  
پرداخت مالیات: هر شهروندی موظف به پرداخت مالیات بر درآمد و دیگر عوارض قانونی بر اساس درستکاری و راستی و سرموقع می‌باشد.  
مسئولیت‌های دولت  
از جمله مسئولیت‌های دولت، خرج نمودن مالیات و عوارض دریافتی توسط بخش‌های دولتی جهت ارائه خدمات زیر، به شهروندان است :  
حفاظت از جان و مال و حقوق و امنیت شهروندان: توسط پلیس، آتش‌نشانی، امداد در حوادث و بلایای پیش بینی نشده، دادگاه و سامانه قضایی و نیروهای مسلح.   
بهداشت و سلامتی: آب و غذای سالم، بازرسی از شیر و گوشت، نگهداری از بیمارستان‌ها.   
آموزش : مدرسه‌ها و کتابخانه‌های عمومی.   
نگهداری، تعمیر و ساخت جاده‌ها، بزرگراه‌ها و خیابان‌ها و راه آهن.   
حفاظت و نگهبانی از منابع طبیعی، جنگل‌ها و محیط‌زیست.   
حفاظت از پس‌اندازها، با بازرسی از بانک‌ها و ضمانت حساب‌های بانکی.   
کمک و جبران خسارات : در موارد پیش بینی نشده مانند سیل، زلزله و خشکسالی.   
  
 فرهنگ شهروندی(Citizenship Culture)  
فرهنگ شهروندی مجموعه ای از ارزشها،نگرش ها و قوانین مشترک بنیادی است که در بردارند احساس تعلق، تعهد و احترام به میراث مشترک، همچنین تشخیص حقوق و تعهدات شهروندی می باشد. این مفهوم نه تنها اشاره به یادگیری زندگی جمعی دارد،بلکه شامل کسب ارزشها،نگرشها،مهارت ها و وفاداری به تعهدات شهروندی است. موضوع کلیدی در فرهنگ شهروندی ،کسب«سرمایه اجتماعی» است. سرمایه اجتماعی ظرفیت و استعداد تعامل و همکاری بین مردم و نهادها برای رسیدن به خیر جمعی است. از ویژگی های فرهنگ شهروندی،احساس تعلق،اعتماد و امید به آینده،عزت نفس و فروتنی،همکاری عمومی،دیدگاه باز،وحدت سنت و مدرنیته می باشد.  
فرهنگ شهروندی نقطه تلاقی و ماحصل حاکمیت خوب(در عرصه دولت) سازمان کارا (در عرصه عمومی) و شهروند فعال(در عرصه خصوصی) می باشد. به عبارتی فرهنگ شهروندی ایجاد نمی شود مگر با تعامل و ارتباط این سه بخش. به طور کلی فرهنگ شهروندی مستلزم دو نوع حرکت از «بالا به پایان» و از «پایین به بالا» می باشد. حرکت از «پایین به بالا» همان مشارکت،مسولیت پذیری و مبارزه اجتماعی برای تحقق حقوق است. شهروندان باید برای استیفای حقوق خود در عرصه های مختلف اجتماعی قدم بگذارندو حرکت از« بالا به پایین» مستلزم کاهش تصدی گری دولت و کاستن از تسلب ساختارهای خود می باشد و از یک نظام بسته به سوی یک نظام باز حرکت کند. به عبارتی دولت این اجازه را  به افراد،احزاب،گروهها و طبقات مختلف جامعه بدهد تا بتوانند در عرصه عمومی حضور پیدا کنند.  
در جامعه سنتی فرد داراری ارزش و هویت جمعی است. اما در جامعه مدنی فرد یا شهروند دارای هویت فردی مستقلی است که به خاطر فردیت او دارای ارزش فطری است و و روابط افراد با یکدیگر یک رابطه قراردادی است که بر مبنای آن همه افراد جامعه صرف نظر از موقعیت و شان خود دارای حقوق،آزادی ها و موسولیت های یکسانی در برابر قانون هستند. .در این عرصه وجود شهروندان مشارکت جو و فعال برای تحقق فرهنگ شهروندی اهمیت بسیاری دارد به ویژه از این نظر که شهروندی یک حق است و نه یک امتیاز. شهروند انسان آزاد و مختاری است که فقط در میان جمع زندگی نمی کند،بلکه جامعه ای را تشکیل می دهد که انواع روابط و پیوند ها را به هم دارند. بر این اساس شهروند به دو دسته فعال و منفعل تقسیم می شوند. شهروند منفعل  همان است که هابرماس«عضویت دریافت شده » می نامد. در این معنا شهروند از وضعیت حقوق تعریف شده ای برخوردار است و مشارکت چندانی در نهادها،روابط و رویه هایی که تضمین کننده ثبات آن وضعیت است ندارد. شهروند فعال از دیدگاه هابرماس«عضویت کسب شده» می باشد. در این معنا شهروندی مستلزم مشارکت فعال و جذب شدن فرد در جامعه ای است که هویت او را می سازد. شهروند خوب و فعال مشخص کننده افرادی است که به طور کامل در تعهدات عضویتی درگیر هستند.  
کارلس مریام کیفیت ها و تعهداتی را برای شهروندی بر می شمارد که به اعتقاد او در همه کشورها یکسان است از جمله:میهن پرستی و وفاداری، تابعیت از قانون،شرکت در خدمات مدنی،داشتن حداقلی از خودتنظیمی،صداقت در روابط اجتماعی، بازشناسی تعهدات زندگی سیاسی،توانایی پاسخگویی به نیازهای جامعه در دوران تنش،آگاهی از ایدئولوژی های اساسی حکومت،انتقادگری در مقابل این ایدئولوژی ها به صورتی مسولانه و اعتقاد به برابری مردم. بنابراین و با توجه به شاخص های مذکور می توان گفت که شهروند فعال،با مشارکت اجتماعی و متعهد بودن در قبال جامعه شناخته می شود که عنصر بسیار مهمی برای توسعه فرهنگ شهرنشینی است.  
در یک دسته بندی دیگر ویژگی یک شهروند خوب را در سه حیطه «شناخت مدنی»،«توانایی های مدنی» و «نگرش های مدنی» تعریف کرده اند. منظور از شناخت مدنی،مجموعه ای از اطلاعات و آکاهی هایی است که یک شهروند خوب باید دارا باشد. توانایی های مدنی به مهارت های ضروری زندگی در یک جامعه مدنی اشاره دارد و نگر شهای مدنی به طرز تلقی ها،باورها و اعتقادات شهروندان مرتبط می شود.هرکدام از این سه حیطه دارای شاخص ها و ویژگی هایی می باشند که در ذیل بدان اشاره می شود:  
مولفه های شناخت مدنی:  
-آگاهی از قوانین و مقررات اجتماعی  
-آگاهی از حقوق شخصی  
-آگاهی از حوادث و رویدادهای جاری جامعه  
-آگاهی از مکاتب عقیدتی و ایدوئولوژ یکی جامعه  
-آگاهی از تاریخ و سیر تحولات جامعه  
-آگاهی از عقاید و دیدگاهای احزاب سیاسی عمده کشور  
-آگاهی از وضعیت موجود جوامع  در جهان معاصر  
-آگاهی از ساختار و نحوه عملکرد دولت در سطوح ملی و محلی  
-آگاهی از حقوق بین المللی  
مولفه های توانایی های مدنی:  
- مسولیت پذیری  
- احترام به حقوق متقابل  
- التزام عملی به قانون  
- توانایی تصمیم گیری منطقی و عادلانه  
- توانایی درک متقابل  
- توانایی رفتار بر اساس اصول اخلاقی و مذهبی مطلوب جامعه  
- توانایی نقد و ارزیابی  
- توانایی اقدام مستقل  
- توانایی بدست آوردن اطلاعات ضروری  
- توانایی مشارکت با دیگران(احزاب،انجمن ها،موسسات اجتماعی و ..)  
- توانایی گفتمان و دیالوگ  
مولفه های نگرشهای مدنی:  
- دارا بودن حس وطن دوستی  
- داشتن روحیه بردباری و تحمل  
- داشتن روحیه قانون مداری  
- علاقه و نگرانی نسبت و به رفاه و آسایش خود و دیگران  
- داشتن روحیه انتقاد پذیری  
- پذیرش تنوع و تکثر در جامعه و احترام به آن  
- داشتن اعتقادات و باورهای مستقل  
- خوشبین بودن  
  
هویت پویای فرهنگ شهروندی  
   در فرهنگ امروزه شهروندی نوعی حق است که فرد برای برخورداری از حقوق از طرف دیگر شهروندان و دولت به رسمیت شناخته می شود؛ و نوعی وظیفه است که فرد در برابر دیگران باید در حوزه مسئولیت هایی که به او محول شده بتواند به امور جامعه توجه نماید. در دولت شهر های یونان باستان هویت فرهنگ شهروندی بسیار عمیق، انحصاری، از نظر محتوای فرهنگی دارای تعهدات بسیار گسترده، نوع جامعه برده داری و ساختار آن کشاورزی بوده است؛ که برای طبقه خاصی از افراد که اصالتاً یونانی بوده اند شهروندی قائل بوده اند محسوب شده اند. در جامعه روم باستان در فرهنگ شهروندی شان می توان وجود یک نوع اخلاق مشارکتی را یافت که در سایر دوران های سیاسی وجود نداشته است. اما دردولت های مدرن فرهنگ شهروندی بسیار سطحی، و به طور روز افزون فراگیر و به لحاظ نظری" مساوات طلبانه و عدالت محور" می باشد، محتوای شهروندی در دولت مدرن از حقوقی گسترده و وظایفی محدود برخور دارست، و در این دولت ها با توجه به رشد مردم سالاری، هریک از نژادها، قومیت ها و اقلیت های دینی و اجتماعی، گروه های اجتماعی دارای حق شهروندی می باشند. با توجه به فرهنگ هر جامعه ای شهروندی یک نوع ایده قومی است که از ارزش ها، هنجارها، قوانین،اخلاق و... حاکم بر جامعه شکل می گیرد. به نظر گیدنز در فرهنگ شهروندی باید« شهروندی را یک مثال عالی از دوگانگی ساختاری در نظر گرفت که نمی توان در آن فرد و جامعه را دقیقاًبه عنوان ایده های مخلف و دشمن یکدیگر درک کرد.در عوض کارگزاری فرد و کردار های اجتماعی به طور متقابل و به هم وابسته اند. فرد از طریق اعمال حقوق و تعهدات، شرایط ضروری شهروندی را بازتولید می کند.» ( نامی،1384: 15) بنابراین شهروندی و فرهنگ آن دارای هویتی پویاست؛ و شهروندان به عنوان کارگزاران خلاق همواره راه های جدیدی برای تکمیل فرهنگ شهروندی شان می یابند وبرای شکل دادن به نیاز ها و آرزو های در حال تغییر شهروند و جامعه به حقوق وظایف و نهاد های جدیدی نیاز خواهند داشت.  
  
شکل گیری هویت فرهنگ شهروندی  
    در حوزه شکل گیری هویت فرهنگی،این پدیده به خودی خود بر اساس تجمع افراد در کنار یکدیگر بوجود نمی آید. نهاد های اجتماعی چون "رسانه ها و مطبوعات، تأمین اجتماعی،انتخابات،انجمن های داوطلبانه مردمی در سطح ملی،منطقه ای و محلی، مدیریت شهری،آموزش و پرورش، نهاد های فرهنگی، سازمان ها ی جامعه (با توجه به کارکرد هایشان)، مراکز و موسسات دینی، احزاب سیاسی و... " در شکل گیری ابعاد مختلف فرهنگ شهروندی با توجه به فعالیت هایشان در شهر اثر گذارند.   
    پایبندی به اخلاق و سلوک شهروندی، در واقع نوعی تمرین دموکراسی است که در فرهنگ شهروندی باید به آن اهمیت بسیاری داد. در واقع این تمرین مشارکتی و مردم سالارانه با اطرافیان و اعضای نهاد های مدنی و انجمن های داوطلبانه و... شکل می گیرد؛ تا افراد در نهادهای مدنی و انجمن های داوطلبانه به عضویت در نیایند و مشارکت نداشته باشند، رفتار های مردم سالارانه هویت فرهنگ شهروندی شکل نمی گیرد، حتی لازمه تحقق دموکراسی در سطح حاکمیت نظام اجتماعی از طریق مشارکت فرهنگی، سیاسی و اجتماعی شهروندان در انجمن های داوطلبانه شکل می گیرد.  
   شهروندی فرهنگی این است که در درجه اول حضور مستمر شهروندانی که با او متمایز هستند را در یک مجموعه شهری بپذیرد؛ و با حقوق و تکالف خود نسبت به سایر شهروندان جامعه آشنا شود؛ و برای کسب آن مبارزه کند. از قواعد اجتماعی پیروی کند،و منافع جمعی را بر منافع و علایق فردی ترجیح دهد. هنگامی که چنین شهروندی نسبت به اجتماع خود و امکانات عمومی احساس مسئولیت کند و در حفظ و استمرار آن کوشا باشند، و با دستگاه های اجرایی و بورکراسی حاکم بر جامعه همکاری و مشارکت نماید و از دولت و سازمان های رسمی جامعه توقع امور ناممکن را نخواهد، ودر یک رقابت سالم با سایر شهروندان، توسعه ملی و شهری خود را مد نظر داشته باشد، و رفاه و تأمین اجتماعی خود را منوط به عمل سایرین نداند، و با نژادها و اقلیت های مدنی همزیستی مسالمت آمیز داشته باشد، و فاصله اجتماعی خود را بدون طرد و تحقیر شان با آن ها حفظ کند و...  تا یک شهروندفرهنگی محسوب گردد. در مقابل وظایفی که برای شهروندان یک جامعه مدنی از بعد فرهنگی اشاره کردیم، حکومت که نماینده قدرت مدنی جامعه است و شهروندان جامعه قدرت خود را به آن تفویض کرده اند وظایفی دارد.« در برابر مسئولیت ها و تکالیفی که به عهده شهروندان می باشد، حکومت و سازمان های رسمی نیز به اجرای رعایت حقوق تعریف شده در قانون اساسی جامعه برای شهروندان ملزم می باشند. بخش از این حقوق به واسطه هویت انسانی که برای شهروندان قائل هستند شکل می گیرد،و بخش دیگر این حقوق به واسطه پیمان اجتماعی در قالب قانون اساسی و قوانین موضوعه آن وضع شده در نظر گرفته می شود.هیچ حکومتی نمی تواند حتی با وضع قوانین، حقوق مدنی و سیاسی اقراد را نقض کنند،و حقوق اجتماعی آن ها که امروزه بخشی از حقوق شهروندی را تشکیل می دهد.به واسطه مالیات و عوارضی که شهروندان می پردازند، دولت را موظف به تأمین نیاز های شهروندان و امکانات رفاهی مناسب برای زندگی آن ها می کند. الزام دولت ها به رعایت این حقوق به نحوی است که امروزه از آنها به عنوان دولت رفاه یاد می شود.در حکومت هایی که مردم نه تنها در انتخاب حاکمان، بلکه در انتخاب نمایندگان شوراهای شهر و شهرداران نیز نقش دارند، مسئولیت حکومت و افراد انتخاب شده برای تأمین خواسته های مردم جدی تر و پررنگ تر است،زیرا حمایت و دوام مسئولیت آن ها بستگی به رضایت مردم دارد.به همین دلیل آنها بیش از آنکه خود را در برابر دستگاه سیاسی و نظام اداری کشور مسئول ببینند، در برابر مردم . افکار عمومی پاسخگو هستند.» (کوشا، 1387:30)  
  
شهروند و حقوق شهروندی  
یک شهروند یک عضو رسمی یک شهر، ایالت یا کشور است. این دیدگاه، حقوق و مسئولیت‌هایی را به شهروند یاد آور میشود که در قانون پیش بینی و تدوین شده‌است. از نظر حقوقی، جامعه نیازمند وجود مقرراتی است که روابط تجاری، اموال، مالکیت، شهرسازی، سیاسی و حتی مسائل خانوادگی را در نظر گرفته و سامان دهد. ازاین رو از دید شهری موضوع حقوق شهروندی، روابط مردم شهر، حقوق و تکالیف آنان در برابر یکدیگر و اصول و هدف‌ها و وظایف و روش انجام آن است. همچنین نحوه اداره امور شهر و کیفیت نظارت بر رشد هماهنگ شهر است که می‌توان بعنوان مهمترین اصولی بدانیم که منشعب از حقوق اساسی کشور است.  
در واقع حقوق شهروندی آمیخته‌ای است از وظایف و مسئولیت‌های شهروندان در قبال یکدیگر ، شهر و دولت یا قوای حاکم و مملکت و همچنین حقوق و امتیازاتی که وظیفه تامین آن  حقوق بر عهدهٔ مدیران شهری(شهرداری)، دولت یا به طور کلی قوای حاکم می‌باشد. به مجموعه این حقوق و مسئولیت‌ها ، «حقوق شهروندی» اطلاق می شود.  
  
  
فرهنگ شهروندی و فرهنگ ایرانی  
واژه شهروندی به عنوان مفهوم خاص دنیای مدرن است،در زبان فارسی اصلاح شهروند به "ساکنان"، " اهل"  " مقیم" ،"تبعه"، " رعیت" معنا خواهد داد.در واقع همانطور که در سطور قبل بیان کردیم، پسوند " وند" در اصطلاح شهروند نشانگر نوعی مالکیت و حاکی از اهمیت ساکنان و اهالی یک شهر به عنوان صاحب و مالک شهر است.   
    در فرهنگ ایرانی برای نوع مالکیت ارزش خاصی می توان یافت : اول: اینکه شهروند به معنای این است که مردم مال آن شهر هستند و شهر به مدیران و مسئولین اجرایی آن شهر تعلق ندارد، که هر گونه برنامه ریزی خاص  با هرگونه نگرش و بینش فرهنگی و سیاسی در جهت منافع خود بکنند.که این مسئله کاملاً در ایران در تمام نقاط شهری جامعه با توجه به نگرش های حاکم بر شهر و بدون توجه به نیاز ها و خواسته های شهروندان در جهت تقویت منافع حزبی و شخصی شکل می گیرد. در واقع فرهنگ شهروندی و هویت شهروندی در درون شهر های ایران ناشی از فضای سیاسی جامعه و بدون توجه به پارامتر های فرهنگی و اجتماعی فرهنگ ریشه دار ایرانی صورت می گیرد. دوم: اینکه مالکیت امری قراردادی نیست بلکه با اسکان شخص در شهر، مالکیت شهری یا همان شهروند بودن شخص به آن شهر تحقق می یابد. در حال حاضر با توجه تنوع قومیتی که در ایران وجود دارد هر فردی ساکن شهری می گردد. ابتدا مدیریت شهری از وی انتظار دارد که فرد وظایف خود را نسبت به نهاد های شهری به نحو احسن پاسخ دهد، اما نهاد های شهری چنین وظیفه ای برای پاسخگویی  به خواسته ها و نیاز های شهروندان در خود احساس نمی کند، و به رعایت حقوق شهروندان بسیار سطحی پایبند است، و به نوعی در فرهنگ شهروندی خواستار برقراری تعامل یکسویه از سوی شهروندان در جهت منافع و بقای خود می باشد، و جوابگویی مشکلات و نیازهای شهروندان نیست، مدیران شهری این نکته را در ذهن خود نهادینه نکرده است که وظیفه آنان "خدمات رسانی و پاسخگویی به نیاز ها و مشکلات شهروندان است." سوم: اینکه مالکیت برای شهروندان یک جامعه شهری این حق را ایجاد می کند که شهروندان حق دارند که مطابق قراردادی که بین یکدیگر دارند؛در جهت امور شهری خویش چون دخالت و تصمیم گیری نمایند و مدیران شهری نیز مجریان تصمیمات مردم هستند، نه رؤسا و سرپرستانی که مردم موظف به اجرای اوامر آنان باشند. در حال حاضر در ساختار مدیریت شهری ایران مردم در شکل گیری و برنامه ریزی های اجتماعی و فرهنگی برای پویاترکردن شهرهایشان و حل مشکلاتشان هیچ گونه مشارکتی ندارند و حتی نمایندگان آنان در شوراهای شهری و اعضای شورایاری های محلات  بدون نگرش کافی و به صورت مقطعی قوانین و برنامه ریزی هایی را برای برون رفت از مشکلات شهری انجام داده اند و بعد از مدتی آن قوانین و بنامه ها که پیامد ها و مشکلاتی داشته را ابطال کرده و قواعدی جدید برای شهر در نظر می گیرند و شهروندان جامعه را به عنوان موجودی آزمایشگاهی در آزمایشگاه بزرگ شهری مورد بررسی قرار می دهند. بیشتر این اعضاء و ساختار مدیریتی در شهر ها به جای تأمل بر مسائل و مشکلات شهروندان واجرای راه حل های مفید و مستمر برای کاهش پیامد های شهری، به دنبال حزب زدگی سیاسی و جانشین کردن روابط به جای ضوابط برای آشنایان و دوستان خود، و در اختیار داشتن پست ها و مقام های اجرایی در مدیریت شهری می باشند.  
    در واقع غنای فرهنگ ایرانی در زمینه شهروندی از یک بار معنوی ویژه بر خوردارست، که اثبات آن هریک نفی دیگری را سبب نمی شود. برای نمونه واژه "اهل" در فرهنگ ایرانی حاکی از سنخیت( هویت) شهروند با محل فرهنگ زندگی اش دارد .در واقع این مفهوم به سنخیت مشترک انسان با فضاء و محیط زندگی اشاره می کند؛ و این ارتباط هم به تجلیات ارزشی انسان که در کالبد فرهنگ شهرش وجود دارد، برمی گردد، این مسئله هم مشتمل بر تأثیرات محیط بر تحولات فرهنگ شهروندی زندگی انسان، و هم اینکه بیانگر فرهنگ و روش زیستی است که عده ای بنام ( اهالی شهر) برگزیده اند؛ و بر اساس آن نه تنها کالبد محیط و شهر خود را که فراتر از آن، فضای معنوی و روحی زندگی و روابط اعضای جامعه شهری خود را با یکدیگر نیز شکل می بخشند، و قانونمند می نمایند. برای شهروندان ایرانی فرهنگ شهروندی با ابزار هایی چون "تاریخ، فرهنگ، زبان، آرمان های مشترک و روابط اعضای آن شهر،"  قانونمندی خاصی را نیز بر زندگی و روابط  آن شهر حاکم کرده است  
    واژه " ساکن"  نیز حکایت از روابط روانی شهروندان با محل زندگی خویش و نقش آنان دارد، این اصطلاح هم ریشه با کلمات "سکون و سکینه" است،که وجه معنوی و روانی آن ها در فرهنگ اسلامی ایرانی کاربرد بسیاری دارد؛ چناچه در فرهنگ لغات دهخدا بیان شده سکینه به معنای" آرامش ، آسایش و دل آرام" معنا شده است، این  اصطلاح و هم ریشه های آن در فرهنگ شهروندی اشاره به بعد مادی و معنوی زندگی شهر می کند.  
   تمام این واژه های منتخب، حاکی از غنای فرهنگ ایرانی در زمینه زندگی جمعی، مدنی، و زیستی اعم از فضاهای کوچک ( خانه و کوی و برزن) و بزرگ ( محله و شهر) دارد. در فرهنگ شهروندی ایران این واژه ها به کالبد شهر،محیط زندگی،روح و فضای شهری و... اشاره می کند. با عنایت به جمیع موارد مذکور امروزه واژگان" شهروند" و " شهروندی" در ادامه این عبارات به کار می رود، که منظور ما همان مفاهیم غنی فرهنگ ایرانی است.  
     امروزه در ایران پدیده ها شهروندی در مطالعات علمی ما متأثر از جامعه مدنی ( غرب) است و ما در تکامل فرهنگ شهروندی خود اشاره به تنظیم امور بر اساس فرهنگ غربی می کنیم و معتقدیم که رویکرد ها و ارزش های فرهنگ شهروندی، ایرانی کهنه است و تکیه بر  الگو ها و ارزش های جامعه غربی می کنیم. باید مبنای برنامه ریزی ها و استراتژی های توسعه و بسط فرهنگ شهروندی خود را با تأکید بر مبانی و معیار های الگوی "ملی، منطقه ای و محلی" تدوین کنیم و در عین هویت ملی داشتن از تجارب سایر جوامع با استفاده از معیار های فرهنگ شهروندی ملی به  توانایی هدایت جامعه پرداخت و از لوازم کورکورانه الگو های غربی پرهیز نمائیم. « پس به این ترتیب شناسایی اهدافی که فرهنگ و جهان بینی ایرانی را برای  فرهنگ شهروندی تعریف می نماید از اولیه ترین مراحلی است که باید به انجام برسد تا بر اساس آن بتوان به تنظیم و تقنین قوانینی پرداخت که ضرورت بقاء و دوام فرهنگ شهروندی جامعه را در پی دارد. در گام بعدی برای بقاء فرهنگ شهروندی در ایران باید وحدت هدف را برای شهروندان به وجود آورد، این وحدت هم در بعد زندگی مادی و هم معنوی فرهنگ شهروندان باید ایجاد کرد؛ تحصیل این مسئله در پرتو یک زندگی اجتماعی میسر نیست؛ و قانونگذاری در جامعه از این طریق میسر می گردد. و خارج از این هدف شهروندان جامعه با مشکلات و پیامد های اجتماعی و فرهنگی که منجربه نابودی جامعه می گردد، روبرو خواهند شد. پس قانون مندی برای بقاء فرهنگ شهروندی در جامعه مدنی امری ضروری و انکار ناپذیر است.» ( نقی زاده،1385 : ش 184 )  
  
شهروندی در ایران  
فرهنگ شهرنشینی، از جمله فرهنگ‌های کهن است و زمانی که جوامع بدوی وارد مراحل نوین شدند، قوانین و هنجار‌های جدیدی را شکل دادند که از این بین، مهم‌ترین این تغییرات پذیرش نظم بود که در روابط اجتماعی افراد بروز پیدا کرد و عاملی شد، برای این‌که افراد جامعه به طور منطقی و قانونمند زندگی کنند و به دنبال آن، قانون و دولت و گسترش روابط اجتماعی شکل گرفت و به تدریج با گذشت زمان و برحسب نیاز شهرها، قوانین، مناسبات اجتماعی، حقوق اساسی و حقوق شهروندی و.. نیز به وجود آمد و افرادی که از این قوانین سرپیچی می‌کردند، از سوی مراجع قانونی، تعقیب و مجازات شدند.   
  
با این تفاصیل و شرحی که گذشت ، براستی  چرا مردمی با هزاران سال تمدن و فرهنگ غنی این گونه قانون گریزی و نظم ستیزی را سر لوحه کار خود قرار داده اند؟!  ناگفته پیداست که همین کار برای شهرداریها چه هزینه عظیمی ایجاد می کند.  
در این مورد هم سازمانها و نهادهای مسئول و در راس آنها شهرداریها به خصوص معاونتهای اجتماعی و فرهنگی آنها می توانند نقشهای موثری ایفا نمایند، مثلاً در بسیاری از مواقع، برای اینکه از برخورد و تنش میان شهروندان کاسته شود می توان از ابزار فیزیکی برای کنترل رفتار شهروندان استفاده نمود مثلاً در ایستگاههای اتوبوس از راهروهای نرده ای در خیابانها و معابر از پلهای عابر پیاده یا محلهای مناسب برای دور زدن، تابلوهای مناسب برای چسباندن آگهی، ایجاد پارکینگ کافی، ایجاد ایستگاههای پهن تر برای تاکسی ها، افزایش تعداد سطلهای زباله در معابر، افزایش نظم در سرویسهای اتوبوسرانی و نهایتاً منطقی تر کردن مقرراتی که برای شهروندان به عنوان یک انسان مورد احترام تدوین می گردد، راههایی هستند که در جهت کمک به شهروندان در تامین انتظاراتی که از آنان داریم، می توانند موثر واقع شوند نمی توان مقررات وامکانات را بدون توجه به نیازهای مردم و فرهنگ آنان تنظیم نمود و انتظار داشت که آنان مثل آدمهای آهشی بدون احساس و منطق باید آنها را اجراکنند، و گرنه نتیجه همین است که می بینیم، از طرف دیگر لازم است نگرش به شهروندان در ذهن مسئولین تغییر نماید.   
اگر معتقدیم مردم ما وارث یک تمدن بسیا ر درخشان و قابل احترام هستند و ذاتاً انسانهایی منطقی، تابع قانون و... هستند باید باین سوال پاسخ دهیم که (چرا اینگونه عمل می کنند و این مشکل معیوب از کدام طرف باید اصلاح شود)؟ آیا فقط با تنظیم مقررات و قانون می توان موفق شد؟ یا لازم است قانونگذاران، ولی نعمتان خود را بهتر بشناسند؟  
تا قبل از این در ایران ، شهروندی تنها از منظر شهر و شهرنشینی مطرح می گردید و شهروندی رابطه متقابل یک شهرنشین با شهر و مدیران شهری و شهرداری دیده می شد و حقوق شهروندی را در گرو تصویب نقشه جامع شهر می دیدند.  
اما استفاده از واژه شهروند و شهروندی یا حقوق شهروندی در سال‌های اخیر در میان حقوقدانان و مجامع قانونی و حقوقی دید جامعتری یافت. در سال ۸۳ قانونی با عنوان « احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی » به تصویب مجلس رسید و به نام                 « بخشنامه حقوق شهروندی » در قوه قضائیه،دستورکار واحدها گردید. رئوس مهم این قانون درباره نحوه بازداشت و بازجویی و منع شکنجه و رفتار با متهمان توسط ضابطین و مجریان قضایی بود.  
هرچند که تمدن مدرن توانسته است امروزه تمام دنیای را از نظر رفاه مادی تحت تأثیر قرار دهد، اما ضرورت ایجاد یک دیدگاه اخلاقی و فرهنگی همه جانبه که دارای بینش قدرتمند توسعه ای و رفاه مند است برای شهر لازم است.  
  
  
راهكارهاي پيشنهادي در راستاي ارتقاء فرهنگ شهرنشيني  
1. برای اینکه فرهنگ شهروندی در اذهان شهروندان نهادینه گردد، باید همراه با کاربرد منابع دینی و اخلاقی که پایه های قدرتمند  فرهنگی را در بین شهروندان دارد، آن را استوار ساخت.  
2. باید آموزه های فرهنگی و دینی را برای شهروندان در سطح جامعه با نیاز های متفاوت زیستی هر گروه به صورت رویکرد های بلند مدت و کوتاه مدت برنامه ریزی کرد.  
3.  این ضرورت باز آموزی تعالیم اخلاقی و فرهنگی شهروندی در حوزه انسان شناسی و جامعه شناسی  شهری از طریق برنامه ریزی های علمی و فرهنگی در طی سال به طور مستمر باید ایجاد شود.  
4. تلاش در جهت هدایت پژوهش های خردنگر در سطح محلی( محله) برای شناخت سازوکارهای اجتماعی و فرهنگی و شناخت بیماری ها و آسیب های شهری و تلاش برای یافتن راه حل های نزدیک و درونی برای از میان بردن این پیامد ها و مشکلات در سطح شهر امری ضروری است.  
5. مقابله با پیامد های منفی جماعت گرایی های جدید محله ای و منطقه ای در شهر به این معنا که تمام تلاش برنامه ریزان مدیریت شهری در جهت اولویت بخشیدن به منافع خاص یک گروه اجتماعی از شهروندان نسبت به سایر شهروندان نباشد، این مسئله از سه  طریق روش فرهنگی قابل بررسی است: الف)نیاز سنجی هویتی محلات  ب) فراهم آوردن بستر های مناسب برای تداخل یافتن و ادغام جماعت های شهروندی و تلاش در جهت همگرایی این جماعت ها ج) جلوگیری از جماعت های شهری منفی که تضاد با منافع جمعی شهروندان را دارند و انسجام ضروری جماعت های شهروندی حول منافع جمعی شهر و به حداقل رساندن تنش ها و مقابله قدرتمندانه و فرایند استمرار مقاومت در برابر جماعت های منفی شهر.  
6. تقویت ابعاد مختلف فرایند فرهنگی شدن شهروندی نه تنها بر پایه امر سیاسی و حقوقی بلکه سایر امور زندگی شهروندان در این بعد باید به موازات هم تکمل بخشید.  
7. با توجه به فرایندگذار از سنت به مدرنیته باید بر اساس مؤلفه های درونی فرهنگ شهروندی پایه های آن را تقویت کرد.  
8.  با توجه به اینکه جامعه ایران از تنوع قومی و فرهنگی برخوردارست، رویکرد های ارزشی، بومی و محلی فرهنگ شهروندی را  باید تقویت کرد.  
9. با توجه به تحولات تکنولوژی، اجتماعی،سیاسی، فرهنگی و اقتصادی، فرهنگ شهروندی را پدیده ای پویا و دگرگون  مورد بازبینی و باز تولید فرهنگی قرار داد.  
10. ارائه یک تعریف از شهروندی همراه با فراسوی فرهنگی فراتر از رابطه حقوقی حرکت کرد.  
11. درشهرها باید بنیان های فرهنگ شهروندی که اشاره شده مورد حمایت از سوی مدیریت شهری قرار گیرد.  
12. باید حقوق فرهنگی شهروندان که همان تأمین حق و نیاز های فرهنگی شهروندان است در شهر ها مورد برنامه ریزی  و توجه قرار گیرد.  
13. باید عرصه فرهنگی شدن شهروندی را امری ضروری، اجباری و اجتناب ناپذیر در شهر ها دانست که مورد اهتمام و توجه کامل مدیران شهری قرار گیرد.  
14.  باید شهروندی را فعال  و پویا داشت، که این امر از مؤلفه ها و معنای شهروندی برخواسته و برپایه آرمان ها ایدئولوژیک اسلامی و ایرانی باید تأکید کرد.  
15.   باید در شهر ها به " نیاز های فرهنگی " شهروندان توجه کرد. این نیازها همان "خلاقیت، خودشکوفایی، نیاز های فراغت و لذت و..." می باشد.  
16.  بهره مندی از نظریات رسانه ای مبتنی بر بسط و گسترش اطلاعات، دموکراتیزه شدن رسانه ها، دانش محور شدن جوامع شهری، افزایش و انباشت و سرعت مبادله اطلاعات و امکان تمرکز زدایی از تولید، توزیع و مصرف آن ها در افزایش فرهنگ شهروندی به صور عدم تمرکز گرایی در قالب فرهنگ شهروندی منطقه ای و محلی سپس ملی.  
17.  نیاز به ایجاد رابطه مفهوم شهروندی فرهنگی با شهروندی جهانی در جهت همگرایی و انسجام اجتماعی  و انسانی.  
18. نیاز به بسط مردم سالاری فرهنگی برای گسترش فرهنگ شهروندی و پرهیز از مشکلات شهروندی چون ( فردی شدن شهروندی- بین الاذهانی شدن چارچوب ارتباطات فراملی،ملی، و محلی شدن شهروندان- باز تولید و تغییر شهروندی در بستر های مناسبات خرد سیاسی نه در چارچوب سیاسی کلان- رادیکال شدن شهروندی در بستر منطقه ای و جهانی شدن و...).  
شاخص هاي شهروند نمونه  
مقوله ها و شاخص هاي كلان و خرد شهروند نمونه عبارتند از:  
•    قانون مداري  
•    اخلاق مداري  
•    دانش مداري  
•    هويت مداري  
•    مشاركت محوري  
  
•    شاخص هاي شهروند قانون مدار  
-    رعايت حقوق شهروندان  
-    رعايت حقوق و قوانين همسايگي  
-    رعايت حقوق و قوانين محلّه اي  
-     رعايت حقوق و قوانين شهري  
-    رعايت حقوق و قوانين كشوري  
  
•    شاخص هاي شهروند اخلاق مدار  
شاخص هاي شهروند اخلاق مدار به دو بخش ارزش محوري (اخلاق نظري) و هنجار گرايي (اخلاق عملي) تقسيم مي شود:  
¬    ارزش محور(اخلاق نظري)  
-    ايمان  
-    تقوا  
-    فضيلت  
-    باورمند به تحكيم و تقويت نهاد خانواده  
¬     هنجار گرا ( اخلاق عملي)  
-    رعايت عرف و آداب فردي  
                                       -  پاكيزگي  
                                       - انضباط  
                                       - آراستگي  
                                       - رعايت عرف و آداب اجتماعي  
                                       - رعايت قواعد عملي جمعي  
  
  
  
- برخوردار از سرمايه ي اجتماعي فردي  
                                     - انصاف  
                                      - وجدان كاري و حرفه اي(جديت و تلاش)  
- صداقت و درستي  
- قابل اعتماد و پايبند به قول و قرار  
- امانت دار  
- دلسوز و فداكار  
- سلامت نفس  
- حسن تفاهم  
- حسن شهرت  
- خيّر و مددرسان  
- خوش برخورد و متواضع  
  
•    شاخص هاي شهروند دانش مدار در عرصه ي عمومي      
-    برخوردار از سرمايه ي فرهنگي  عمومي(آگاه و علاقه مند به دانش و فرهنگ عمومي)  
-    آشنا و آگاه به حقوق و قوانين شهروندي و اجتماعي  
-    آگاه و علاقه مند به موضوعات و مسائل شهري  
-    آگاه و علاقه مند به موضوعات و مسايل ملي و جهاني  
  
•     شاخص هاي شهروند هويت مدار      
-    ديني  
-    ملّي  
-    انقلابي  
  
•    مشاركت محوري شهروندان از سه جنبه قابل تامل است:**¬    شوراها و شورا ياري ها  
-    مشاركت فعال در انتخابات شوراي شهر  
-    تعامل و پيوند فعال با شوراي شهر  
-    تعامل و پيوند با اجتماعي محلّي  
  
**¬    مشاركت در فعاليّت و اقدامات داوطلبانه  
-    عمراني  
-    بهداشت محيط و بهداشت عمومي  
-    ترافيك و حمل و نقل شهري  
-    محيط زيست، فضاي سبز و حفظ ميراث طبيعي  
-    الگوي مصرف پايدار و بهينه  
-    زيباسازي سيما و منظر شهري  
-    امور خيريه نيكوكاري و توانمند سازي اقشاغر آسيب پذير و خدمات اجتماعي  
-    كاهش جرايم و رفتارهاي پر خطر  
-    امداد رساني در حوادث غير مترقبه  
-    ايمن سازي سازه هاي شهري  
-    مراسم و مناسبت ها(ديني و ملّي)  
-    فرهنگي، هنري و امور كتابخانه ها  
-    امور مساجد  
-    ورزشي و تفريحي  
-    حفظ آثار تاريخي و ميراث فرهنگي شهري   
  
¬    مشاركت فعّال در نهادهاي اجتماعي  
-    سازمان هاي مردم نهاد و تشكل هاي اجتماعي محور  
-    شركت هاي تعاوني  
-    موسسات عام المنفعه  
-    صندوق هاي قرض الحسنه  
-    اتحاديه ها و اصناف  
-    مساجد و امور مذهبي  
-    انجمن اوليا و مربيان  
-    توانايي سازمان دهي مشاركت شهروندان محله  
  
¬     ارايه طرح و ايده  
-    درباره حل يا كاهش مسايل و مشكلات محلي  
-    درباره حل يا كاهش مسايل و مشكلات منطقه شهري  
-    درباره حل يا كاهش مسايل و مشكلات كلان شهري  
  
عرصه هاي آموزش شهروندي  
آموزشهاي فرهنگ شهروندي در سه عرصه ذيل عرضه مي شود:  
الف: ارتباط شهروندان با محيط شهري  
ب: ارتباط شهروندان با ديگر شهروندان  
ج: ارتباط شهروندان با مديريت شهري  
  
اصول آموزشهاي شهروندي  
اصول ذيل در عرصه هاي سه گانه آموزش شهروندي بايد مورد دقّت قرار گيرند:  
-    تامين آگاهي ها و هارتهاي شهروندان  
-    زمينه سازي پرورش عقلانيت  
-    زمينه سازي براي قرار گرفتن محيط شهري به عنوان مظهري از نعمت هاي الهي و عامل ايجاد كننده ي آرامش و شور دروني  
-    زمينه سازي استفاده عادلانه از محيط شهري در جهت رفع نيازها  
-    زمينه سازي شكل گيري هويت شهروندان با توجه به مولفه هاي تاريخي، طبيعي و فرهنگي محيط شهري  
-    زمينه سازي در جهت سير و سفر شهروندان( درون شهري و برون شهري)  
-    زمينه سازي ميل به خير و خوبي و ترك شرور و بدي ها  
-    تامين نيازهاي زيستي، اجتماعي و عاطفي  
-    حفظ كرامت شهروندان  
-    شفاف سازي حقوق متقابل و زمينه سازي رعايت آنها  
-    زمينه سازي براي گسترش حسن اتخلاق اجتماعي  
-    زمينه سازي براي مشاركت اجتماعي  
  
رويكردهاي آموزش شهروندي  
رويكردهاي ذيل در نحوه ارائه آموزشهاي شهروندي مورد تاكيد است:  
الف: مبتني بودن آموزشها بر اسناد ديني و انطباق آنها با مباني ديني هستي شناختي، انسان شناختي، ارزش شناختي و معرفت شناختي  
ب: ارتقاء هويت شهري شهروندان  
ج: ارتقاء مشاركت اجتماعي شهروندان  
د: اولويت دادن خانواده شهرداري در برنامه ريزي هاي آموزشي  
ه: تاكيد بر گروه سني كودك و نوجوان در برنامه ريزي هاي آموزشي    
  
راهبردهاي آموزش شهروندي  
الف:اجراي آموزشهاي فرهنگ شهروندي به دو شيوه «آموزش نظام مند» و «آموزش فراگير»  
ب: لحاظ كردن اقتضائات جنسي، سني، مذهبي، ديني، محلّي و منطقه اي در فرآيند آموزش  
ج: توجه به حوزه هاي محيطي ارتباط – شامل محل سكونت، محل كار و محل هاي ارتباطي و خدماتي- جهت ارائه بسته بندي هاي آموزشي  
د: مشاركت با نهادهاي دولتي و غير دولتي در امر آموزش شهروندان  
ه: تاكيد بر ارئه محصولات و توليدات ماندگار  
و: تشكيل كميته هاي آموزش شهروندي درون شهري در حد مديران شهري به منظور          هم افزايي و تعامل بين بخشي  
  
نتيجه گيري  
از مباحث مطرح شده نتيجه گرفته مي شود كه تبيين و تعيين مباني فرهنگ شهرنشيني براي همه مردم به ويژه قشر جوان و نوجوان، برقراري زمينه مناسب براي رشد و اعتلاي اين فرهنگ و ارتقا و اصلاح فرهنگ همگاني با تكيه بر مساجد و محله‌هاي شهر، گامي مؤثر در دستيابي به شهر فرهنگي است، مهارت آموزي، كسب دانش، فرهنگ شهرنشيني، ارتقاي سطح جمعي و گروهي از ضرورت‌ها و مسائل اسلامي براي حيات شهروندان و همچنين مديران شهري است. شهروندان تكيه‌گاه اصلي جامعه ما هستند و منابع پايان ناپذير جوهر حيات شهري و عنصر اصلي شهر را تشكيل مي‌دهند، بنابراين حيات شهري تنها زماني حفظ و حراست مي‌شود كه روح آن يعني شهروندانش آگاه و آموزش ديده باشند.**